

واجبات ہر مسلمان



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

در دین اسلام اعمالی بر هر انسانی واجب است که انجام دهد مانند خداشناسی و اطاعت از معصومین و کمک به نیازمندان و احسان والدین و نماز و روزه و...

این عنایت پروردگار است که ما را لایق دانسته و به ما دستور داده اعمالی را به جابیاوریم با اینکه خدا به ما نیازی ندارد.

لذا کسانی که معرفت الهی دارند واجبات را با شوق و عشق انجام می دهند چون دستور مولا است.

ولی کسانی که خداشناس نیستند این اعمال را یا انجام نمی دهند یا با اکراه و اجبار و از ترس عذاب جهنم و...

دو روایت درباره واجبات:

امام صادق (ع) فرمود: «خداوند می فرماید هیچ بنده ای نمی تواند محبت مرا به خود جلب کند مگر اینکه واجبات مرا دوست داشته باشد و به آن عمل کند.» (کلینی، محمد؛ الکافی، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ش، چ دوم، ج ۲، ص ۸۱). ...امام علی (ع) می فرماید: «بشتابید به سوی عبادت ها و سبقت بگیرید به انجام اعمال صالح؛ پس اگر کوتاهی از سوی شما صورت گیرد، پرهیزید از این که در انجام واجبات کوتاهی کنید.» (آمدی، عبد الواحد؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبایعات، ۱۳۶۶ش، چ اول، ص ۱۸۱).

در این کتاب پیرامون بعضی واجبات مطالب مفیدی آورده شده است. زمستان ۱۴۰۱. کرمانشاه

واجبات هر مسلمان

اولین واجب بر هر انسانی، خداشناسی است

انگیزه ها و ضرورت هایی که ما را وادار می کنند تا خدا را بشناسیم عبارتند از: خدا ما را برای عبادتش

خلق کرده است. باید معبود را بشناسیم تا عبادت اگاهانه داشته باشیم. همچنین از باب شکر کسی که

اینهمه به ما نعمت داده است باید خدا را بشناسیم.

آثار و ثمرات شناخت خدا نیز عبارتند از: رسیدن به سعادت در دو جهان... خداشناسان ادم های خیلی

خوبی هستند که اهل گناه و خلاف نیستند و همیشه بدنبال رضایت الهی هستند

پس بزرگترین واجب بر هر انسانی معرفت و شناخت پروردگار عالمیان است. اگر انسان در

خداشناسی به درجات بالا برسد هیچوقت دست از خدا بر نمی دارد و عاشق خدا میشود و هیچ کدام

از لذتهای دنیا برای او مهم نخواهد بود.

دومین واجب اطاعت از خدا و رسول و امامان است

اطاعت از پیامبر خدا(ص) و امامان علیهم السلام

خداوند در قرآن کریم دستور به اطاعت از پیامبر خدا(ص) و امامان علیهم السلام داده است
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء: 59)
ای مومنین! از خدا و رسول و اولی الامر اطاعت کنید.

اری این واجب الهی از فرائض بسیار مهم است که اگر همه مسلمانان به آن عمل می کردند در بین مسلمین اینهمه مشکلات و اختلافات نبود.

حسین بن ابی العلاء گفت: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا اطاعت از اوصیای رسول الله واجب است؟

فرمود: بله، آنان کسانی هستند که خدای عزوجل درباره آنان فرمود
أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ، و آنان کسانی هستند که درباره آنان فرمود: «إِنَّمَا
«وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ».¹

1. اصول کافی، ج 1، ص 189¹

چون امام علیه السلام نماینده خدا بر مردم است لذا اطاعت از او از هم واجبات می باشد. و هر کسی از امام معصوم اطاعت نکند در حقیقت از خدا اطاعت نکرده است.
حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند # ☐ - ✓

جبریل نزد من آمد و گفت ای محمد! خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید

☒ ☐

نماز را واجب کردم ولی این تکلیف را از معذور و مجنون و طفل برداشتم #

☒ ☐

روزه را واجب کردم ولی آن را برای مسافر الزامی نکردم #

☒ ☐

حج را واجب کردم ولی آن را از بیمار نخواستم #

☒ ☐

زکات را واجب کردم ولی آن را از گردن نیازمند ساقط کردم #

☐

اما دوست داشتن # علی بن ابیطالب علیه السلام را واجب کردم و محبتش را بر تمام اهل آسمان و زمین الزام نمودم بدون آنکه رخصتی در آن باشد^۲

از روایات اهل بیت^(ع) استفاده می شود اطاعت از اوامر امام^(ع) واجب است و از اطلاق آنها استفاده می شود اطاعت از مطلق اوامر آنان لازم است و از آنجا که این روایات تواتر اجمالی دارد نیاز به

(بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۴۶) ☐ ^۲.

بررسی سند هم ندارد. برای نمونه، دو روایت از هفده روایتی که در کتاب **کافی** «باب فرض طاعة الائمه» آمده است نقل می‌شود:

(الف) عن ابي الصباح قال أشهد أني سمعت ابا عبد الله يقول أشهد أن علياً امام، فرض الله طاعته وأن الحسن امام، افترض الله طاعته وأن الحسين امام، فرض الله طاعته وأن علي بن الحسين امام، فرض الله طاعته وأن محمد بن علي امام، فرض الله طاعته (کلینی 1428 ج 1: 210).

یعنی: ابي الصباح نقل می‌کند و می‌گوید شهادت می‌دهم که شنیدم امام صادق^(ع) می‌فرمود: شهادت می‌دهم علی^(ع) امامی است که خداوند اطاعت او را واجب کرد و حسن^(ع) امامی است که خداوند اطاعت او را واجب کرد و حسین^(ع) امامی است که خداوند اطاعت او را واجب کرده و علی بن حسین^(ع) امامی است که خداوند اطاعت او را واجب کرد و محمد بن علی^(ع) امامی است که خداوند اطاعت او را واجب کرده است.

(ب) عن محمد بن الفضيل قال: سأله عن افضل ما يتقرب به العباد إلى الله عزوجل قال: افضل ما يتقرب به العباد إلى الله عزوجل طاعة الله و طاعة رسوله و طاعة أولى الأمر قال ابو جعفر^(ع) حبنا إيمان و بغضنا كفر (کلینی 1428 ج 1: 210).

یعنی: محمد بن فضیل نقل می‌کند از او سؤال کردم بهترین چیزی که بندگان را به خدای عزوجل نزدیک می‌کند، چیست؟ فرمود: بهترین چیزی که بندگان را به خدای عزوجل نزدیک می‌کند اطاعت خداوند است و اطاعت رسول او و اطاعت اولی الامر ابو جعفر فرمود محبت ما ایمان، و دشمنی ما کفر است.

هر دو روایت دلالت دارد که اطاعت از امام^(ع) واجب است و مقتضای اطلاق وجوب اطاعت در مطلق اوامر ایشان است.

نتیجه آنچه تاکنون گفته شد این است که آیات و روایاتی که دلالت دارد اطاعت از امام^(ع) واجب است مطلقند، یعنی در هیچ یک اطاعت مقید به اوامر شرعی یا غیر آن نشده است. قهراً اطاعت از امام در مطلق امر ایشان به مقتضای این ادله واجب است.

روزی یکی از اصحاب امام ششم بنام عبدالله بن یعفور در محضر امام صادق(ع) نشسته بود و از وجود مقدس آن حضرت بهره مند می شد. عبدالله درضمن سخنانش کلامی را بیان کرد که مورد توجه امام(ع) قرار گرفت؛ سخنی که از منتهای اخلاص وی ریشه گرفته بود و از اعماق جانش برمی خواست. او به پیشوای ششم عرضه داشت: «ای مولای من! قسم به خدا! اگر اناری را دو نصف کنی و بفرمایی که نصف آن حلال و نصف دیگرش حرام است، مطمئناً شهادت خواهم داد که آن چه را گفתי حلال، حلال است؛ و آنچه را که فرمودی حرام، حرام است؛ و هیچ گونه چون و چرا نخواهم کرد.» امام صادق(ع) فرمود: «خدا تو را رحمت کند، خدا تو را رحمت کند

اطاعت از عقل

عقل پیامبر باطنی است و انسان را به اعمال خوب راهنمایی می کند و هر کسی از عقل خود پیروی کرد هدایت می یابد.

مثلاً انسان در کوچه و بازار زنان مختلفی می بیند که میل به آنان دارد عقل می گوید این زنان با زن تو فرقی ندارند و هر چه اینان دارند زن تو هم دارد! ولی دل می گوید هر کسی لذت خود را دارد!

اگر به عقلش عمل کرد ضرر نمی کند و آسیب نمی بیند ولی اگر به نفسش و دلش عمل کرد دچار مشکل خواهد شد!

پس عقل یکی از موهبت های بزرگ الهی است که خداوند به انسان عطا کرده است. عقل و میزان بکارگیری آن است که انسان را نیک فرجام یا بدفرجام می کند.

در اینجا سه روایت درباره جایگاه عقل از کتاب شریف اصول کافی می آوریم:

از امام باقر علیه السلام آمده است: **لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَقْبَلْ فَأَقْبَلَ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ، ثُمَّ قَالَ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ.....**

پس از آفرینش عقل، خداوند به او فرمان هایی داد (فرمود: پیش آی و عقل چنین کرد سپس فرمود: بازگرد و او بازگشت) و او فرمان های خدا را اطاعت کرد. پس از آن خداوند به عزّت و جلال خود. سوگند یاد کرد که او محبوب ترین آفریده ی خدا است.

امام علی علیه السلام میفرماید: جبرئیل به حضرت آدم (ع) گفت: از سه موهبت عقل ، حیا و دین یکی را انتخاب کرده و دوتای دیگر را رها کن. آدم ، عقل را از میان آنها برگزید. جبرئیل به حیا و دین گفت که عقل را تنها گذارید و بروید. آن دو گفتند: ای جبرئیل به ما فرمان داده شده که همواره همراه عقل باشید.

عقل چه شریف است و با ارزش ، که موجودات ارزشمندی مانند حیا و دین ، باید همراه با عقل باشند.

در حدیث سوم کتاب العقل و الجهل از قول امام صادق علیه السلام آمده است: ما عبد به الرحمان و اكتسب به الجنان؛ عقل چیزی است که خداوند بواسطه ی آن عبادت می شود و بهشت با آن به دست می آید.

سومین واجب، نیکی به والدین است.

احسان به والدین

یکی از واجبات خیلی مهم نیکی به پدر و مادر است.

در سوره اسراء می فرماید: و قضي ربك ان لا تعبدوا الا اياه و بالوالدين احسانا الايات. ترجمه آن این است که: حکم فرمود پروردگار تو اینکه عبادت نکنید مگر ذات مقدس یکتای بی همتا را و به والدین خوبی کردن. اگر این دو یا یکی از ایشان پیر شدند و نزد تو بودند، پس اف به آنان نگو، و داد بر ایشان زن. و گفتار خوب به آنان بگو. و کوچکی به آنان نما از روی مهربانی. و بگو: پروردگارا، . . . رحم فرما آنان را، چون من کوچک بودم و مرا تربیت و نگهداری کردند

و در سوره لقمان می فرماید: شکر کن مرا و والدین خود را. و اگر وادار کردند تو را مشرک شوی به . . . من، پس اطاعت نکن آنان را. و معاشرت کن با آنان به طریق خوب

از این آیه استفاده می شود که در غیر طریقه معصیت و حرام باید اطاعت کند آنان را. و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امر به اطاعت آنان فرموده

در کافی به سند صحیح از ابی ولاد حناط نقل کرده که گفت: سوال کردم از امام صادق (علیه السلام) (از معنی کلام خدا: ((و بالوالدين احسانا)) چیست این احسان؟ فرمود: احسان این است که خوب نمایی معاشرت خود را با آنان. و رفع احتیاجات آنان را کن که محتاج به سوال از تو نشوند هر چند ایشان غنی باشند

تا آنکه فرمود: اگر پیر شدند، اف به ایشان نگو و داد بر آنان نزن، هر چند تو را اذیت کنند و بزنند. و گفتار خوب به آنان بگو. و اگر تو را زدند، پس بگو خدا شما را بیامرزد. این گفتار کریم است که خدا امر فرموده

و فرمود: چشمهای خود را نینداز به آنان مگر به رحمت و مهربانی. و صدای خود را از صدای آنان بلندتر نکن. و دست خود را به طرف آنان بلند مکن. و در راه رفتن مقدم بر آنان نشو

در کتاب کافی از محمد بن مروان نقل کرده که فرمود: شنیدم از امام صادق (علیه السلام) که فرمودند: مردی آمد خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مرا وصیت فرما

فرمود: شریک قرار نده برای خدا چیزی را نه به قلب و نه به زبان، هر چند تو را به آتش بسوزانند و عذاب کنند، مگر وقت تقیه که به زبان تقیه کنی و قلب تو مطمئن به ایمان باشد. و نسبت به پدر و مادر، پس اطاعت کن آنان را و خوبی کن به ایشان، چه زنده باشند و چه مرده. و اگر امر کردند تو را که از اهل و مال خارج شوی، پس اطاعت کن؛ که این از کمال ایمان است

از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: مردی آمد خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: من خیلی میل به جهاد در راه خدا دارم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جهاد کن در راه خدا؛ که اگر در جنگ کشته شوی، خواهی بود در نزد خدا زنده و روزی داده می شوی از نعمتهای بهشتی. و اگر در بین راه مرگ به تو رسید، اجر و ثواب تو نزد خدا خواهد بود. و اگر از جهاد برگشتی، از گناه پاک می شوی مثل روزی که از مادر متولد شدی

عرض کرد: یا رسول الله، پدر و مادر من پیر شدند و مائونس می باشند به من و میل ندارند از نزد آنان دور شوم. حضرت فرمود: قرار بگیر نزد پدر و مادرت. قسم به آن کسی که جان من به دست قدرت اوست، انس پدر و مادر به تو یک شبانه روز بهتر است از جهاد یک سال

از آیات و روایات بدست می آید که انسان با نیکی به پدر و مادر می تواند بهشتی شود و با بدی به آنها می تواند جهنمی شود!

اطاعت از والدین از واجبات است.

اگر پدر بگوید نمازت را به جماعت بخوان. نماز جماعت بر فرزند واجب میشود.
اگر پدری پسرش را که در خواندن نماز سستی می کند امر به خواندن نماز کند و او اطاعت نکند
فرزند هم مخالفت امر خداوند نموده است و هم مخالفت امر پدر.
اگر پدر بگوید سفر نرو. و فرزند سفر برود مثلاً سفر زیارتی مشهد مقدس. این سفر برای فرزند سفر
معصیت ثبت میشود.

اگر والدین امر به چیزی نمودند یا نهی از چیزی کردند که در مخالفت آنها اذیت است؛ البته در این
صورت، اطاعتشان واجب می باشد

اما در صورتی که امر به چیزی می کنند یا از چیزی نهی می کنند بگونه ای که اگر اولاد عمل نکنند،
اذیت نمی شوند، مثل جاهایی که در نظرشان مهم نیست، در این صورت، مخالفت آنها حرام نیست؛
مانند این که: والدین فرزند خود را از مسافرت منع می کنند لکن حال آنها جوری است که اگر
مسافرت کند، ایشان ناراحت نمی شوند، در این صورت سفر مباح است؛ ولی اگر جوری است که
مسافرت موجب ایدای ایشان می گردد البته سفر، معصیت و نماز در چنین سفری، تمام و روزه هم
ساقط نیست

در مستحبات، مکروهات و مباحات بلکه واجبات کفائیه، قدر مسلم از وجوب اطاعت امر و نهی
ایشان، مواردی است که مخالفت نمودن آنها موجب اذیت و ناراحتی ایشان گردد و خاطر آنان آزرده
و قلبشان شکسته شود، در این صورت است که مخالفت کردن ایشان، حرام و گناه کبیره است؛ چون
مصاداق حقیقی عقوق است؛ مثلاً هر گاه فرزند بخواهد سفر غیر واجبی برود و والدین در اثر ترس از
رسیدن ضرری به او، یا در اثر شدت علاقه و نداشتن طاقت دوری فرزند، او را از این مسافرت نهی
کنند به طوری که اگر مخالفت کند و به این سفر برود، سخت ناراحت و آزرده خاطر می شوند، در

این صورت سفر، حرام و معصیت خواهد بود و نماز را در چنین سفری، تمام بخواند و اگر ماه رمضان باشد، روزه اش را هم باید بگیرد.

و بالجمله: هر موردی که مخالف والدین، سبب اذیت و خشمناکی و آزرده‌گی ایشان گردد، حرام است، مگر این که اطاعت ایشان، موجب عسر و حرج بر فرزند شود، یا متضمن ضرر فوق العاده دینی یا دنیوی گردد؛ مانند این که پسر را از گرفتن عیال منع کنند در حالی که زن نگرفتن برایش مشکل و حرج است. یا دختر را از شوهر کردن نهی نمایند، در صورتی که ترک شوهر، برایش حرج یا ضرر است، یا مانند این که پسر را امر کند زنش را طلاق دهد که مستلزم زیان فاحشی است، واجب نیست؛ اما سایر امرهایی که می‌کنند و از مخالفت اولاد هیچ گونه اذیت و ناراحتی برای آنها نیست، حرمت مخالفت و وجوب اطاعت معلوم نیست. بلی بهتر بلکه احتیاط آن است که تا بشود اوامر ایشان را پیروی و از مخالفت کردن آنها پرهیزد.

خصوصاً در مواردی که والدین به مصلحت اولاد، امر و نهی کرده اند نه به ملاحظه مصلحت شخصی خودشان.

البته اگر والدین امر به گناه کنند اینجا نباید فرزند اطاعت کند.

انفاق در راه خدا

یکی از واجبات کمک مالی به نیازمندان و فقرا است. که در قالب خمس و زکات و فطریه و کفاره و غیره آمده است.

در این زمینه به داستانی اشاره می‌نمایم:

مرحوم سیدجواد عاملی صاحب مفتاح‌الکرامه از شاگردان علامه سیدمهدی بحرالعلوم (ره) بود

بحرالعلوم (ره)، سید را به منزل خویش احضار کرد و وقتی شاگرد به شبی موقع صرف شام، علامه منزل استاد رسید، دید استاد کنار سفره نشسته و دست به غذا نمی‌زند. علامه بحرالعلوم با خشم شاگرد را مورد عتاب قرار داده و فرمود: سیدجواد! از خدا نمی‌ترسی، از خدا شرم نداری؟ شاگرد که متحیر مانده بود، تقصیر خود را از استاد جویا شد؟ ظاهراً سیدجواد عاملی، همسایه ای داشت که چندشبهانه‌روز چیزی برای خوردن نداشته اند و خرما از بقال قرض کرده بودند و دیگر بقال به او قرض نداده و او شرم‌منده شده بود. شاگرد اظهار بی‌اطلاعی کرد! علامه او را مورد توبیخ قرار داد که: «همه داد و فریاد

های من برای این است که چرا اطلاع نداشتی؟ و گرنه، اگر باخبر بودی و کمک نمی‌کردی، مسلمان نبودی و یهودی بودی». سپس سینی غذای بزرگی را که آماده کرده بود، با مقداری پول به شاگرد

کمک مالی به فقرا بصورت مستمر و همیشگی حتی بصورت روزانه جزو سیره و روش پیامبر خدا(ص) و اهل بیت(ع) بوده است. ما هم یاد بگیریم و همیشه تا آخر عمرمان اهل کمک به فقرا باشیم انشالله.

علم آموزی

یکی از فرائض و واجبات علم آموزی است

پیامبر خدا(ص) فرمود که طلب علم بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است.

اگر همه مسلمانان به این دستور عمل کردند یقیناً وضع ما خیلی بهتر از وضع فعلی بود. و کشورهای اسلامی دیگر جهان سومی نبودند. بلکه جزو پیشرفته ترین کشورها بودند.

در الامالی شیخ طوسی و بحارالانوار آمده است: ۲۳

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرماید: طلب علم بر هر مسلمان واجب است؛ پس علم را از جایگاهش بجوید و آن را از اهلش بگیرید؛ زیرا فراگیری علم، نیکو و طلبش، عبادت و مذاکره اش، ثواب تسبیح و عمل به آن، ثواب جهاد و یاد دادن آن به کسی که آن را نمی داند، ثواب صدقه دارد و بذل آن به اهلش، وسیله تقرب به خداوند است؛ چون آن علم، نشانه های حلال و حرام و علامت راه بهشت و همدم انسان در وحشت و همراه انسان در غربت و تنهایی و هم سخن او در خلوت است ... خداوند به واسطه این علم، گروهی را سربلند می کند و آنان را پیشوایان در امور خیر قرار می دهد تا از آثارشان پیروی و به کردارشان راهیاب و به اندیشه شان ختم گردد. فرشتگان خواهان مودت خالصانه آنانند و با بالهایشان آنان را مسح می کنند و در دعا و نماز خود، برای آنان برکت می طلبند. هر موجودی، حتی ماهیان دریا و جنبندگان آن و درندگان خشکی و چارپایان آن، برای آنان آمرزش می طلبند. به راستی که علم، مایه حیات دلهاست نسبت به جهل و روشنایی دیدگان در تاریکی است ... به وسیله این علم، پروردگار، اطاعت و عبادت می شود و با این، صله ارحام انجام می گیرد، و به واسطه این، حلال و حرام شناخته می گردد. علم، پیشوای عمل، و عمل، تابع آن است. خداوند علم را به سعادت‌مندان عنایت می کند و افراد شقی و بدبخت را از آن محروم می گرداند؛ پس خوشا به حال کسی که خداوند، او را از آن محروم نساخته باشد.

اکثر مسلمانان جاهلند و از مسائل دین خود بی اطلاعند و فقط مقلد فرهنگ غرب و مقلد رسم و رسومات نادرست و پیرو خرافات و مسائل غیر مفید هستند.

اسیب هایی که در بین مسلمین است مانند اعتیاد و کثرت طلاق و اختلافات و دعوایها و تقلب و کلاهبرداری و سرقت و... به این دوری از علم و دانش اسلامی بر می گردد. لذا اینکه علم آموزی واجب است برای اسنکه مسلمانان از اسیب ها نجات پیدا کنند و دچار این مشکلات فعلی نشوند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ، لَا مَالَ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ؛ هیچ تهیدستی سخت تر از نادانی و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست. (اصول کافی، ج 1، ص 30) و از امام علی (ع) نیز نقل شده که ایشان می فرماید: لَا غِنَى كَالْعَقْلِ، وَلَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ، وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ؛ هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون جهل و هیچ میراثی چون ادب و هیچ پشتیبانی (چون مشورت نخواهد بود. (تحف العقول، ص 89

در آیات قرآن برای جهالت بیش از پنجاه اثر بیان شده است که شامل اموری چون احساس امنیت مشرکان در پناه بتها (انعام، آیه 81)، اختلاف در مسائل (نساء، آیه 157؛ کهف، آیه 22)، ارزش گذاری غلط (هود، آیات 27 و 29؛ نحل، آیه 95)، استکبار و توقعات بی جا (هود، آیات 27 و 29)، اشتباه و خطا (بقره، آیه 273)، گمراه سازی دیگران (نساء، آیه 44)، اعراض از حق (انبیاء، آیه 24)، اقدامات نسنجیده (حجرات، آیه 6)، انحرافات اخلاقی و جنسی (یوسف، آیه 33؛ نمل، آیه 55)، انحصار طلبی و نفی ارزش دیگران (بقره، آیه 113)، انکار معاد و حقایق هستی (نحل، آیه 38)، بت پرستی (اعراف، آیه 138 و 139)، بدعت در دین (انعام، آیات 140 تا 148)، بی ادبی و بداخلاقی (فرقان، آیه 63؛ قصص، آیه 55)، بی تقوایی (بقره، آیه 103)، بی صبری (کهف، آیات 68 و 71 تا 77 و 82)، پشیمانی (حجرات، آیه 6)، تعصب (بقره، آیه 113)، پذیرش خرافات (اعراف، آیه 131)، روآوری به سحر و جادو و مانند آن (بقره، آیه 102) شایعه سازی (نور، آیات 11 و 15)، دنیا طلبی (عنکبوت، آیه 64)، زیان (انعام، آیه 140) و مانند آن می شود

امام علی (ع) می‌فرماید: کَم مِنْ عَزِيزٍ أَذْلَهُ جَهْلُهُ؛ چه بسیار عزیزِی که، نادانی‌اش او را خوار ساخت. (غررالحکم و دررالکلم، ص 76) آن حضرت هم چنین در سخنی دیگر می‌فرماید: الصِّدْقُ عَزُّ وَالْجَهْلُ دَلٌّ؛ راستی عزّت است و نادانی ذلّت و خواری. (تحف العقول، ص 356) ب
امیرمومنان (ع) می‌فرماید: الْجَهْلُ مُمِيتُ الْحَيَاءِ وَ مُخِلُّ الشَّقَاءِ؛ نادانی، مایه مرگ زندگان و دوام (بدبختی است). (غررالحکم، ص 75، ح 1164)

رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید: قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَيِّتٍ خَرِبٍ فَتَعَلَّمُوا وَعَلِّمُوا وَتَفَقَّهُوا وَلَا تَمُوتُوا جُهَالًا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِرُ عَلَى الْجَهْلِ؛ دلی که در آن حکمت نیست، مانند خانه ویران است، پس بیاموزید و تعلیم دهید، بفهمید و نادان نمیرید. براستی که خداوند، بهانه‌ای برای نادانی نمی‌پذیرد. (نهج البلاغه، خطبه 91).....امیرمومنان علی (ع) می‌فرماید: اَلْعِلْمُ قَاتِلُ الْجَهْلِ؛ دانش، (نابودکننده نادانی است). (غررالحکم و دررالکلم، ص 73)

یاور مظلوم بودن و دشمن ظالم بودن از واجبات است

چه مظلوم فردی مثلاً بینیم ظالمی دارد به مظلومی ظلم می کند باید به کمک مظلوم برویم.

چه مظلوم اجتماعی مثل ظلم اسرائیل به مردم فلسطین.

اگر بی تفاوت باشیم گناه بزرگی کرده ایم.

امام خمینی فرمود: استعمارگران به دست عمال سیاسی خود، که بر مردم مسلط شده اند، نظامات اقتصادی ظالمانه ای را تحمیل کرده اند؛ و بر اثر آن مردم به دو دسته تقسیم شده اند: ظالم و مظلوم. در یک طرف، صدها میلیون مسلمان گرسنه و محروم از بهداشت و فرهنگ قرار گرفته است و در طرف دیگر، اقلیتهایی از افراد ثروتمند و صاحب قدرت سیاسی، که عیاش و هرزه گرد و فاسدند. مردم گرسنه و محروم کوشش می کنند که خود را از ظلم حکام غارتگر نجات بدهند، تا زندگی بهتری پیدا کنند، و این کوشش ادامه دارد؛ لکن اقلیتهای حاکم و دستگاههای حکومتی جائر مانع آنهاست. ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. همین وظیفه است که امیرالمؤمنین (ع) در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش تذکر می دهد و می فرماید: **وَ كُنَّا لِلظَّالِمِ خَصْماً وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا**. (دشمن ستمگر و یاور و پشتیبان ستمدیده باشید).

تشکیل حکومت اسلامی

تشکیل حکومت اسلامی واجب است. بر مبنای این واجب امام خمینی قیام کرد و حکومت اسلامی در ایران تشکیل داد. حال بر همه ملتهای مسلمان مانند کشورهای عربی واجب است قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند..

حضرت امام یکی از فقهائی است که اعتقاد به این مطلب دارند. و برای ان مبنا دارند.

خلاصه مبانی تفکر تفکر امام امت به شرح زیر است

الف: عقل حکم می کند که بشر نیاز به حکومت و قانون دارد

ب: تنها متابعت از حاکمی صحیح است که مالک همه چیز بشر است که او منحصر در خداوند

عالمیان است. پس حاکم حقیقی که واجب المتابعه است خالق جهان هستی است و حکم غیر خدا

باطل است

ج: اگر خدا به کسی حکومت داد بر بشر لازم است که از او اطاعت کند و غیر از حکم خدا یا مامور از

طرف خدا، هیچ حکمی را نباید پذیرفت

د: در زمان پیغمبر و امام حکومت با خود آنان است که خدا با نص قرآن، اطاعت آنها را بر همه بشر

واجب کرده است. پس برای هیچ کس جز امام معصوم یا کسی که امام او را منصوب نموده، جایز

نیست سرپرستی امور سیاسی مانند اجرای حدود، امور قضایی و امور مالی مانند خراج و مالیات شرعی

را به عهده گیرد

ذ: در عصر غیبت امام، نواب عام که همان فقههای جامع الشرایط فتوا و قضا هستند در اعمال سیاست و

سایر مسئولیت ها، جانشین حضرت ولی عصر هستند و تنها جهاد ابتدائی از مختصات امام معصوم

است

ر: بر نایبان عام واجب کفایی است در صورت توان، قیام به امور سیاسی و قضایی و مالی کنند. اگر

نتوانستند و قدرت ها اجازه ندادند، باید باندازه امکان، اعمال قدرت نمایند و بر مردم نیز واجب است تا

فقها را در اعمال سیاست و امور حسبه یاری کنند. در صورت نتوانستن، باندازه امکان باید فقها را در اعمال قدرت یاری کنند.

ز: هر کس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالا دریافته باشد، چون به ولایت فقیه برسد و آن را تصور کند بی درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت.

س: اسلام برنامه حکومت دارد. اسلام قریب پانصدسال تقریباً حکومت کرده است. با این که احکام اسلام در آن وقت باز آن طور اجرا نشده است، لکن همان نیمه اجرا شده، ممالک بزرگی را، وسیعی را، اداره کرده است.

ش: هر نظام سیاسی غیر اسلامی، شرک آمیز است چون حاکمش طاغوت است.

ص: یکی از اقدامات انبیاء، مبارزه با نظام شاهنشاهی بوده است و فرمودند: خدای تعالی موسی را می فرستد که این شاهنشاه را از بین ببر. و پیامبر فرموده است: منفورترین کلمات پیش من، شاهنشاه است. ض: امام خمینی رض به شاگردانش می فرمود: شما وظیفه دارید حکومت اسلامی تاسیس کنید. اعتماد به نفس داشته باشید و بدانید از عهده این کار بر می آئید.

و می فرمودند: شرع و عقل حکم می کند که نگذاریم وضع حکومت ها به همین صورت ضداسلامی یا غیراسلامی ادامه پیدا کند... ما چاره ای نداریم جز اینکه دستگاههای حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم و هیئت های حاکمه خائن و فاسد و ظالم را سرنگون کنیم. این وظیفه ای است که همه مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام دهند و انقلاب سیاسی را به پیروزی برسانند.

اشتغال به شغلی که جامعه اسلامی نیاز دارد و در توان انسان است واجب است.

مثلا جامعه به قاضی نیاز دارد یا به مبلغ یا به پاسدار یا صنایع مختلف و..... باید هرکسی در توانش است اعلام آمادگی نماید. و این از باب واجب کفایی می باشد.

نجات فرد در حال مرگ

نجات کسی که در حال مرگ است واجب است مثل نجات غریق یا کسی که از گرسنگی یا تشنگی در حال مرگ است واجب است.

ازدواج

ازدواج برای کسی که بخاطر نداشتن همسر به گناه می افتد واجب است

میانه روی در همه کارها

میانه روی در همه کارها از واجبات است. که پیامبر خدا بارها فرمود: علیکم بالقصد. بر شما باد به میانه روی.

خوش اخلاقی

خوش اخلاقی با مردم واجب است. و بداخلاقی با مردم حرام است. مثلا دیگران را ناراحت کردن حرام است. با عصبانیت با مردم برخورد کردن ممنوع است.

خوش قولی

خوش قولی و عمل به وعده و پیمان از واجبات الهی است. لذا خدا خشمگین میشود از آدمی که حرف میزند و عمل نمی نماید.

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ⁴

این عمل که سخن بگویند و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می آورد

غیرت و عفاف

غیرت برای مرد واجب است و عفاف و حجاب بر هر زن واجب است

کنترل چشم و کنترل شهوت از حرام واجب است

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ⁵

ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار) زشت با زنان) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) آنان اصلح است، و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است.

اهتمام به کار مسلمین

یکی از واجبات این است که هر مسلمانی به فکر این باشد مشکلی از مسلمانان را اگر بتواند برطرف کند.

در کتاب «کافی» مرحوم کلینی، بخشی با عنوان «بابُ الْإِهْتِمَامِ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ» آمده است. اولین روایت این باب، نقلی است از امام صادق (ع) از پیامبر اسلام (ص) که فرمودند: «هر کسی که، صبح کند و اهمی به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست»⁶

همچنین روایت چهارم این باب از امام صادق (ع) و با تفاوت بسیار اندکی در تعبیر؛ همین معنا را می‌رساند. در روایت پنجم این باب از امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نیز همین معنا نقل شده است، جز آن که در ادامه آن چنین آمده است: «هر مسلمانی که ندای مسلمانی را بشنود که از او کمک

⁴ صف ایة 34

⁵ نور ایة 30

⁶ کلینی، مجد بن یعقوب، کافی، ج 2، ص 163، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1407ق

[2]. «می‌خواهد و پاسخ او را ندهد مسلمان نیست

بنابراین، سه روایت در یک مضمون وارد شده است و در دو مورد، امام صادق (ع) از پیامبر اسلام (ص) چنین مضمونی را نقل کرده‌اند و نشان از آن دارد که اجمالاً می‌توان پی برد، چنین مضمونی از پیامبر (ص) وارد شده است

سجده شکر

در روایتی سجده شکر را واجب دانسته اند.

(امام_صادق (علیه السلام) # □

□ □ سجده شکر بر هر مسلمانی واجب است، با آن نماز را کامل و پروردگارت را خشنود می سازی و فرشتگان را به شگفتی می آوری.

□ به درستی که بنده زمانی که نماز می خواند و سپس سر بر سجده شکر می نهد، پروردگار حجاب : های موجود میان بنده و فرشته ها و ملائک را می گشاید و می گوید

□ ای ملائکه من! به بنده ام بنگرید. واجبم را به جای آورد و عهدم را برای من تمام نمود، سپس . برای من نسبت به آنچه که برایش نعمت نموده ام، سجده شکر به جا آورد

تهذیب الاحکام ج ۲ □

وجوب نماز

بهترین واجب الهی در اسلام نماز است که در اذان می گوییم: حی علی خیر العمل. بشتابید بسوی بهترین عمل.

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ»⁽¹⁾.

نماز را در دو طرف روز و قسمتی از شب برپا دار که کارهای خوب (مثل نماز) گناهان را پاک می کند. و این تذکری است برای کسانی که متذکر می شوند.

نماز انقدر مهم است که در روایات آمده فاصله بین ایمان و کفر، ترک نماز است!

و در قیامت اول از نماز می پرسند اگر قبول شود بقیه اعمال هم قبول میشود و اگر نماز رد شود بقیه اعمال هم رد می گردد.

در روایت است که آخرین سفارشات پیامبران، امر به نماز بوده است. و در تاریخ اولیاء خدا بعضی از این سفارشات ذکر شده است.

آخرین سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله

از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند: آن موقعی که در حال رحلت، سر رسول خدا صلی الله علیه و آله بر دامن تو بود حرف آخر حضرتش چه بود؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرتب می فرمود: اَمَّتِ الصَّلَاةُ و ما ملکت اَیمانکم . یعنی ای اُمّت من ! به دو چیز خیلی اهمیت بدهید: یکی نماز و یکی هم زیردستان خودتان⁽²⁾.

آخرین وصیت امام جعفر صادق علیه السلام

از همسر امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کردند که حرف آخر امام چه بود؟ او گریه

1. سوره هود، آیه 14. 2. اخلاق و خودسازی- فضائل الخمسة من الصحاح الستة 29/3

کرد و گفت: امام در آن ساعت آخر، همه خویشان را خواست. ما گفتیم که چه وصیتی می خواهد بکند. همه که جمع شدند، یک جمله فرمود: و از دنیا رفت. فرمود: لا تنالُ شفاعتُنا بمن استخفَّ بالصلوة. شفاعت ما اهل بیت علیهم السلام نمی رسد به کسی که نماز را سبک بشمارد.⁽¹⁾

یهودی یا نصرانی!

کسی که نماز نخواند، وقت مرگ به او می گویند: مُتْ یهودیاً أو نصرانیاً. یعنی تو مسلمان نمی میری و نباید در صف مسلمانها باشی. می خواهی برو در صف مسیحی ها یا یهودی ها!⁽²⁾

«امام صادق علیه السلام: ای فضل! از هر قبیله ای تنها خوبانش به مسجد می روند! و از هر خانواده ای فقط برگزیدگانش به مسجد تردد می نمایند!»⁽³⁾

«امام حسن مجتبی علیه السلام: کسی که به مسجد رفت و آمد کند یکی از این هشت فایده نصیبش می شود:

1 - استفاده از آیات قرآن.

2 - یافتن رفیق خوب.

3 - فراگیری علم تازه.

4 - برخورداری از رحمتی که منتظرش بود .

5 - شنیدن سخنی که راهنمای اوست.

6 - در امان بودن از انحراف.

7 - ترک گناه از روی حیاء.

8 - ترک گناه از ترس خدا .⁽⁴⁾

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : هنگامی که مشکلات و بلاها نازل می شود، اهل مساجد در امانند .»⁽⁵⁾

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند سبحان به سه دسته با خوشنودی نظر می کند: نماز شب خوان . جهادکنندگان با دشمن . نماز جماعت خوانها».⁽⁶⁾

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسانی در دنیا زیاد نماز می خوانند در آخرت همسران بیشتری خواهند داشت !».⁽⁷⁾

«امام حسین صلی الله علیه و آله در هنگام وداع به خواهرش زینب علیها السلام فرمود: مرا در نماز شب فراموش نکن .»⁽¹⁾

1. اخلاق و خودسازی-مستدرک الوسائل 57/17 2. همان. 3. وسائل، ج 3، ص 477.

4. تحف العقول، ص 258. 5. مستدرک، ج 1، ص 226. 6. ثواب الاعمال، ص 96.

7. مستدرک، ج 1، ص 175.

«امیرالمؤمنین علیه السلام: به کودکان نماز بیاموزید.»⁽²⁾

«رسول خدا صلی الله علیه و آله: من هرگز از نماز سیر نمی شوم.»⁽³⁾

1. زینب کبری، للنفدی، ص 50. 2. جامع احادیث الشیعه، ج 4، ص 46. 3. میزان الحکمه، ج 5، ص 367. 4. مجمع المعارف و مخزن العوارف-ارشادالقلوب 444/1

5. مجمع المعارف و مخزن العوارف. 6. همان-وسائل الشیعه 417/2

قبولی اعمال وابسته به نماز

امام باقر علیه السلام: اولین چیزی که از بنده سؤال می کنند، از نماز است. اگر قبول شد، بقیه اعمال هم قبول می شود.

نماز بهترین راه برای جلوگیری از آسیبها

یکی از علل وجوب نماز، فواید فراوانی است که در نماز وجود دارد و می توان گفت هیچ واجبی باندازه نماز دارای منافع مادی و معنوی نیست.

در اینجا به تعدادی از فواید این واجب الهی اشاره میشود:

نماز و دوری از مفاسد اجتماعی

از جمله آثار فردی نماز، دور کردن آدمی از مفاسد اخلاقی است .

افراد نماز خوان معمولاً از اعتیاد و مجالس فساد و دوستان ناباب و مسائل انحرافی دیگر دور هستند و دچار آسیبهای آنها نمی شوند . زیرا انسانی که بوسیله نماز با خداوند سبحان ارتباط برقرار می کند . گاه در نماز خود را در مقابل سلطانی مقتدر و دانا می بیند که بر همه چیز او مطلع است . و از همه کارهای او خبر دارد . خدایی که به او نعمتهای فراوانی داده است و در مقابل گناهان احتمالی او حلم ورزیده و او را عذاب ننموده است، در مقابل این چنین خدایی، آدمی احساس شرمندگی نموده و از انجام دوباره گناهان خود داری می کند . زیرا تکرار حداقل سه بار این حالت شرمندگی، باعث تقویت پاکی شده و به ضعف قوای نفسانی کمک می کند . گاهی این شرمندگی و طلب پاکی از گناهان قبل، آن چنان در انسان قوی می شود که حاضر است عذاب دنیوی را تحمل کند تا اسمش در لیست پاکان ثبت شود و گناهی که کرده محو گردد . و این فرایند در دوری انسان از گناهان نقش مهمی دارد .

اگر نماز گزاری احیاناً به گناهی آلوده شود، خود نماز بعدی در عذاب وجدان و احساس ندامت اثر کرده و مانند شخص فوق او را به طلب پاکی سوق می دهد . و این اثر وقتی در همه نماز خوانان با شدت و ضعف ظاهر شود، نماز خوانان روز بروز پاک تر شده و از

مفاسد فاصله می گیرند . چه بسیار گناهکارانی که با غسل توبه و نماز خواندن در آنها تحول ایجاد شده و به انسانهایی پاکدامن تبدیل شده اند .

نمونه ادعای فوق وضعیت متفاوت اخلاقی نماز گزاران با بی نمازها است . در شهرها و روستاها هرجا ناهنجاری دیده می شود از بی نمازها است . عربده کشی های مستانه از بی نمازها است . ترانه های مبتذل از منازل بی نمازها شنیده می شود . مجالس فساد و لهو و لعب مربوط به بی نمازهاست !

دنبال زنان و دختران راه افتادن و ایجاد مزاحمت برای آنان کار بی نمازهاست !

ایجاد باندهای فساد و آدم ربایی و راهزنی و سرقت و فساد در زمین کار بی نمازهاست . زیرا نماز جلو همه این مفاسد را سد می نماید . نماز نمی گذارد که انسان بدنبال نوامیس مردم حرکت کند ! نماز نمی گذارد که آدمی باند فساد همانند باند 19 نفره روباه بوجود بیاورد و دختران و زنان را به انواع مفاسد آلوده کند ! نماز نمی گذارد که انسان به سرقت و راهزنی اموال مردم مشغول شود ! نماز نمی گذارد که آدمی بجای حضور در مجالس علم و هنر و ادب، آلات دو متری ! موسیقی همچون طنبور را بدست گرفته و در محافل و مجالس، انسانها را بجای اینکه بیاد خداوند سبحان و قیامت بیاندازد، به حالتهای شیطانی و عشقی ! دعوت کند !

آری نماز آثار مهمی دارد که متأسفانه اکثریت مردم از این آثار غافل هستند لذا گرفتاریهای مختلفی برایشان پدید می آید و نمی دانند چگونه این گرفتاریها را درمان کنند؟ در حالی که با کم هزینه ترین راه درمان یعنی دعوت خود و خانواده شان به سوی

نماز و حضور خود و فرزندانشان در مساجد و حسینیه‌ها می‌توانند جلو این گرفتاریها را بگیرند !

نماز و انقلاب درونی !

یکی از اثرات فردی نماز بر روی نمازگزار، انقلاب درونی و تغییر حالت روحی است که در بعضی مواقع در انسان نمازگزار پیدا می‌شود . و این انقلاب آنقدر پرازش است که با هیچ چیز با ارزش مادی، قابل قابل ارزش گذاری نمی‌باشد . و گاه شده است که بعد از نماز تحول مهمی در زندگی شخص رخ داده و از این رو به آن رو می‌شود . حتی گاهی افرادی بوده‌اند که انقلاب روحی آنان در نماز چنان بزرگ بوده است که فوق تحمل آنان بوده و در همان جان به جان آفرین تسلیم کرده‌اند .

گویند ثعلبه گناهی را مرتکب شد که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و مردم مدینه او را بطور موقت از خود راندند . ثعلبه به بیابان‌ها رفت و مشغول توبه شد تا اینکه توبه او قبول شد . امیرالمؤمنین علیه‌السلام باتفاق سلمان بدنبال او رفتند و او را به مدینه آوردند . وقتی آنها به مدینه رسیدند موقع نماز عشاء شده بود . آنها به مسجد رفتند و به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اقتدا نمودند . رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از سوره حمد، شروع به خواندن سوره تکاثر نمود . همینکه آیه اول را تلاوت فرمود: «الْهَكُمُ التَّكَاثُرُ»

یعنی: ثروت اندوزی شما را مشغول نموده است .

ثعلبه نعره‌ای زد . چون حضرت آیه دوم را قرائت فرمود: «حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»

یعنی: تا زمانی که قبرستان را مشاهده نمودید .

ثعلبه بیشتر ناله کرد . و چون آیه سوم را شنید: «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ».

یعنی: نه چنین است . بزودی خواهید فهمید!

ببینید ثعلبه چگونه در نماز دچار انقلاب روحی شده و نمی تواند آن را تحمل نماید لذا در

نماز از دنیا می رود . و خوشا بحال او . (1)

دگرگونی علماء در بین نماز

عرفا و علماء دیگری بوده اند که در نماز از دنیا رفته اند . از جمله در مورد استاد امام
رحمهم الله ، «میرزا جواد ملکی تبریزی» آمده است:

«حاج آقا حسین فاطمی فرمود: به من گفتند که آقای حاج میرزا جواد (ملکی تبریزی)
جویای حال تو شده است . چون می دانستم ایشان کسالت دارند با عجله به خدمتش رفتم،
دیدم استحمام کرده و خضاب بسته و پاک و پاکیزه در بستر بیماری افتاده و آماده ادای
نماز ظهر و عصر است . در میان بستر شروع به گفتن اذان و اقامه کرد و دعای تکبیرات
افتتاحیه را خواند و همین که به تکبیره الاحرام رسید و گفت: الله اکبر ! روح مقدسش از
بدن به عالم قدس پرواز کرد.»^۷

«شیخ علی کاشانی» معروف به فریده الاسلام از اساتید شهید هاشمی نژاد بسیار اهل عبادت
بود و در منزلش اطاقی را برای عبادت قرار داده و شبها را به عبادت می گذراند . او در

داستانهای ما، علی دوانی، ج 1. 7

جوانی به درجه اجتهاد رسیده بود و وقتی چندین ساعت با یکی از علماء مشهد بحث علمی کرد. آن عالم از وی پرسید: با این سن کم این همه علوم را چگونه فرا گرفته‌ای؟ و ایشان جواب داد که از عنایت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرا گرفته‌ام.

رحلتش را در سن بیست و چهار سالگی از زبان میزبانش این گونه نوشته‌اند: بعد از صرف شام به من گفت: خیلی مایلم در حیاط منزل، زیر درخت تا صبح در عبادت باشم. بعد برخاست دو رکعت نماز خواند. ذکر رکوعش را که شمردم، هفتاد بار بود. بعد از نماز کمی از مواعظ و احادیث را برای ما بیان کرد و به سجده رفت، دیگر سر از سجده بر نداشت و روح پاکش به ملکوت اعلی پرکشید.⁽²⁾

«آیه الله سید احمد کربلائی» که استاد سید علی قاضی ار اساتید علامه طباطبائی بوده است، رحلتش در هنگام نماز بود و در هنگام نماز عصر، بسوی ملکوت پرواز کرد.⁽³⁾ آیا این حالت‌های شیرین معنوی جز در نماز در حالت دیگری می‌توان مشاهده نمود؟ آیا آنهایی که غرق در رفاه مادی هستند، از این لذتها هم تاکنون داشته‌اند؟ آیا آن جوانهایی که بجای نماز، در خیابان‌ها و بازارها بدنبال جنس مخالف هستند و اگر در کار خود موفق بشوند، فو‌قش می‌توانند عمل نامشروعی را با ترس و لرز انجام دهند، می‌توانند لذت خود را با لذات مشروع و معنوی این بزرگان دین مقایسه کنند؟ هرگز اینها با هم قابل مقایسه نخواهند بود مخصوصاً از نظر اثراتی که دارند. نماز انسان را به پاکی‌ها بیشتر نزدیک می‌کند و عمل آن جوانهای بی‌بند و بار آنها را از خدا و ملکوت و پاکی بیشتر دور می‌نماید.

«علامه طباطبائی» فرمود: مرحوم قاضی استاد ما می‌فرمودند که اگر کسی نماز واجبش را

اول وقت بخواند و به مقامات عالیہ نرسد مرا لعن کند! (4)

1. دین ما علمای ما، ص 88 - 87. 2. همان 3. هزار و یک نکته درباره نماز. 4. در محضر بزرگان، غروی، ص 99.

نماز و دوری از تکبر

یکی از آثار فردی نماز، دور کردن انسان از تکبر در مقابل پروردگار خویش است. همانطور که حضرت فاطمه علیها السلام در خطبه خویش و بزرگان دین در کلمات خویش به این اثر اشاره نموده‌اند. و اگر اثر نماز فقط در همین یک اثر خلاصه شود برای ارزش و اهمیت نماز کافی است.

زیرا تکبر مرض خطرناکی است که متأسفانه بسیاری از افراد را مبتلا نموده است که اکثر آنها از طبقات روشنفکر و مرفه جامعه هستند. بسیاری از اینان همانند عده‌ای از و منشأ این جز تکبر چیز دیگری نمی‌باشد اگرچه در باطن خویش به وجود پروردگار جهانیان و حقانیت نبی اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حقانیت قرآن کریم اعتراف دارند. ولی بخاطر غرور حاضر نیستند که مانند بعضی از همکاران خود، در هنگام نماز، وضو گرفته و به نماز پردازند. اینان باید بفکر درمان این مرض خطرناک باشند والا تمامی زحماتی که در عمر خود برای این کشور و مردمش می‌کشند بر اثر بی‌نمازی بر باد رفته و هرگز مقبول درگاه احدیت واقع نمی‌شود زیرا که بزرگان دین فرموده‌اند: در روز قیامت از اولین چیزی که سؤال می‌شود، نماز است که اگر قبول شد، اعمال دیگر هم مقبول شده و اگر نماز رد شد، اعمال دیگر هم رد می‌شوند. و این ضرر و خسران بزرگی‌ای برای آدمی است.

بنابراین مرض تکبر انسان را از مقام انسانیت به ذره‌ای تبدیل می‌کند که در قیامت در زیر پای انسانهای محشور شده له می‌گردد! و شاید خود هم باورش نشود که منی که همه برایم دست می‌زدند و از من تعریف می‌کردند به کجا رسیده‌ام که در قیامت هیچ ارزشی برایم وجود ندارد؟ آری آن انسانی که نتواند خالق خود را بشناسد و حاضر نشود در مقابل خدایی که همه نعمتهای این انسان از اوست، سر به سجده بگذارد، شایسته ذلت ابدی است! او باید همچون ابلیس بعنوان اولین متکبر، مطرود و رانده شده از رحمت الهی قرار بگیرد و به عذاب ابدی دچار نشود و همه زحماتش هباءً منثوراً⁽¹⁾ برباد رفته و بی‌ارزش شود.

خداوند سبحان در قرآن کریم خطاب به انسان می‌فرماید، «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ

1. سوره فرقان، آیه 23.

الْكَرِيمِ».⁽¹⁾ چرا در مقابل خدایت تکبر می‌کنی؟

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مَضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمَضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ .

آیا از یاد برده‌ای که نطفه‌ای غیر قابل مشاهده با چشم عادی بودی؟ سپس در رحم مادرت جا گرفتی و خداوند سبحان تو را رشد و تربیت نمود تا علقه و خون بسته شدی . سپس مضغه و گوشت جویده شده گردیدی . بعد استخوان و گوشت و پوست و خون و رگ و اعضا جوارحت کامل شد.⁽²⁾

والله اخرجكم من بطون امهاتكم لاتعلمون شيئا وَ جَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ
لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ .

و از شکم مادرت بیرون آمدی و متولد گشتی در حالی که هیچ نمی دانستی؟⁽³⁾ و بر هیچ
کاری قادر نبودی؟ پس چرا تکبر می کنی؟ تو هم همانند سجده کنندگان بیا و در مقابل
خدایت سر به سجده بگذار و بگو: سبحان ربی الاعلی و بحمده .

منزه است خداوند بالا مرتبه و من مشغول حمد او هستم .

آنوقت کم کم لذت بندگی را خواهی چشید و رحمت الهی بسویت سرازیر می شود و گاه
چنان لذت معنوی احساس می کنی که همانند امام صادق علیه السلام که فرمود: دو رکعت
نماز در دل شب در نظر من بهتر از دنیا آنچه در دنیاست، می باشد .

خواندن نماز، اولین نشانه از بین رفتن تکبر انسان در مقابل خداوند سبحان است .
مخصوصا در نماز جماعتها و در حضور دیگران در یک صف ایستادن . استاد در کنار
شاگرد . فرمانده در کنار سرباز . رئیس در کنار مرئوس . عالم در کنار جاهل . وزیر در
کنار آبدارچی ! پولدار در کنار فقیر ! زیبا در کنار زشت ! قوی در کنار ضعیف . این
حالتی است که باعث عصبانیت ابلیس می شود زیرا او تکبر کرد و از رحمت الهی دور شد
اما نماز خوان اطاعت نموده و مشمول رحمت خداوند سبحان شده است .

نماز و نشاط و شادابی

یکی از اثرات فردی نماز بر روی انسان، نشاطی است که در نماز خوانها وجود دارد و
این نشاط در افراد بی نماز وجود ندارد . مخصوصا این نشاط بعد از خواندن نماز در انسان

بیشتر جلوه می کند . و یک آرامش و رضایت خاطری به آدمی دست می دهد . البته در محیطها و حالت های مختلف این نشاط و احساس رضایت کم و زیاد می شود . وقتی انسان با حضور قلب نماز می کند و در نماز اشکی می ریزد و مناجاتش با حال است ، بعد از نماز آرامش خاصی در خود احساس می نماید . اما اگر نماز را با کسالت و عجله بخواند این نشاط به پایین ترین حد خود می رسد که در بحث مراتب نماز به گوشه این حالات اشاره می شود . اما همه نماز خوانها تصدیق می کنند که بعد از ادای نماز دچار نشاطی می شوند . و این نشاط در سلامت جسم روان آدمی نقش مهمی ایفا می نماید و نبود این نشاط است که باعث افسردگی و اضطراب و ناآرامی می شود که این حالتها در جوامع بی دین و بی نماز بیشتر به چشم می خورد.

آیه الله بهجت می فرمودند کجاستند حاکمان و ثروتمندان که بینند لذت دو رکعت نماز از لذات آنها بسیار بالاتر است.

1 . سوره انفطار، آیه 6. 2 . «سوره مؤمنون، آیه 14». 3 . «سوره نحل، آیه 78».

نماز و تشکر از پروردگار

یکی از آثار نماز، انجام تشکر و قدردانی از نعمتهای الهی است . باید از خدایی که آنقدر به آدمی نعمت داده است که هیچگاه کسی نمی تواند همه نعمتهای خداوند سبحان را بشمارد، تشکر کرد و یکی از بهترین راههای آن خواندن نماز است .

وقتی خداوند سبحان به رسول خدا صلی الله علیه و آله کوثر یعنی حضرت فاطمه علیها السلام را عطا کرد، به او فرمان داد تا در مقابل این عطا، نماز بگذارد: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ».

یعنی: ما بتو کوثر را عطا کردیم. پس نماز بخوان و هنگام تکبیره الاحرام، دستها را بالا ببر.

ما هم باید از این الگوی حسنه یاد گرفته و برای شکر نعمتهای پروردگار حداقل نمازهای پنج گانه را بجا آوریم که هر که این نمازها را بجا آورد از شاکرین بوده و هر که بجا نیاورد، از کافرین و نمک شناس ها می باشد. و از آثار کفران نعمت، قطع شدن رحمت و نعمتهای خداوند سبحان می باشد.

نماز و شفای بیماری

از جمله اثرات مثبت نماز، درمان بیماریهای جسمی است. طبق سفارشات طبیبان دینی و طبق بررسیهای دانشمندان غیر دینی، دعا و نماز و دل بستگی های معنوی در درمان و یا کاهش بیماریها مؤثر می باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به دیدار سلمان فارسی آمد و دید سلمان کمر درد دارد. و خیلی شدید ناله می کند. فرمودند: سلمان! مثل اینکه درد به تو خیلی فشار آورده است؟ همین طور که نشسته ای یا خوابیده ای نماز بخوان!

سلمان گفت یا رسول الله! مگر نماز برای کمر دردم خوب است؟ حضرت فرمودند: مگر در قرآن نخوانده ای که «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ».⁽¹⁾ ⁽²⁾

آری نماز شفا دهنده دردها به اذن خداست و می توان با دور رکعت نماز با حضور قبل آنچنان به خداوند سبحان نزدیک شد، که شفای دردهایمان را از او بخواهیم و تعجبی ندارد اگر خداوند سبحان به ندای نماز گزار پاسخ مثبت بدهد و دردها را از بین ببرد .

نماز و پیروزی در جنگ

در جنگها و عملیاتهای سخت و مهم گاهی عرصه بر انسانهای حق طلب، بسیار سخت می شود و دشمن از موضع قوی برخوردار است و شکست دادن او به آسانی میسر نمی شود . در این واقع هم علاوه بر داشتن توانائیهای جنگی، باید از نماز کمک گرفت .

نماز در جنگ

امیرالمؤمنین علیه السلام می گوید: هر وقت که جنگ مغلوبه می شد و اسلام در مخاطره می افتاد، پیغمبر می فرمود: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ».

در همان وسط جنگ و در همان خط مقدم جبهه، پیغمبر پیاده می شدند و اصحاب هم

1. اخلاق و خودسازی، آیه الله حسین مظاهری، انتشارات پیام آزادی. 2. سوره بقره، آیه 45.

پیاده می شدند و دو رکعت نماز می خواندند . آنها پناه به نماز می بردند و بعد سوار می شدند و می جنگیدند و پیروز هم می شدند .⁽¹⁾

«امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین به لشکریان تحت امرش فرمود - شما انشاءالله فردا با دشمن در گیر می شوید . پس امشب را بیشتر به نماز مشغول باشید و قرآن را بسیار تلاوت کنید و از خداوند سبحان صبر و پیروزی بطلبید .»⁽²⁾

شهید سرلشکر زین الدین می گفت : در شبهایی که بسیجیان نماز شب می خواندند، وقتی عملیاتی علیه دشمن انجام می شد، معمولاً به پیروزی چشمگیری می انجامید ولی هنگامی که نماز شب برپا نمی شد، شکستهایی را هم در پی داشت .

نماز و کاستن غم و اندوه

نماز در کاهش غم و اندوهها و ناراحتی های روحی نیز نقش درمانی دارد . همانطور که در زندگی اولیاء خدا آمده است که در مواقعی که غم و اندوه به آنها هجوم می آورد، همانند جنگهایی که دشمن به آنها هجوم گسترده می نمود، به نماز پناه می بردند .

«روایت شده چون مشکلی برای خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش می آمد، می فرمود: برخیزید نماز بخوانید . بعد فرمود: خدا این گونه به من دستور داده است»⁽³⁾.

درباره امیرالمؤمنین علیه السلام داریم که در شهادت زهرا تا غم هجوم به او می آورد، دو رکعت نماز می خواند . لذا قبل از غسل دادن، دو رکعت نماز خواند . قبل از اینکه زهرا را در قبر بگذارد هم نماز خواند . وقتی که زهرا را در قبر قرار داد و خاک روی قبر ریخت، غم به امیرالمؤمنین علیه السلام هجوم آورد و دو رکعت دیگر نماز خواند .⁽⁴⁾

«امام صادق علیه السلام : هرگاه برای امیرالمؤمنین علیه السلام مشکلی پیش می آمد، به نماز پناه می برد»⁽⁵⁾.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : پیامبران خدا چنان بودند که چون دچار نگرانی می شدند، به نماز پناه می بردند .»⁽¹⁾

در یکی از سفرهای عبدالله بن عباس به او خبر دادند که برادرت از دنیا رفت . عبدالله گفت: (اَنَا لِلَّهِ وَآنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) آن گاه از مرکب فرود آمد و به کناری رفت و دو

رکعت نماز خواند . پس از آن ساعتی با وقار و آرامش نشست و چون از جایش برخاست این آیه را می خواند: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»⁽²⁾.

از صبر و نماز یاری جوئید و این کار جز برای خاشعان، گران است .»

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم ! هرگاه مشکلات چون کمربندی شخصی را محاصره کرد، وقتی دوسوم شب گذشت، فرشته ای به او می گوید برخیز و ذکر خدا بگو . اگر بلند شد و ذکر خدا گفت یک گره از مشککش حل می شود و اگر وضو گرفت و به نماز ایستاد تمامی گره هایش باز می گردد و صبح را با شادمانی شروع می کند .⁽³⁾

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : هنگامی که مشکلات و بلاها نازل می شود، اهل مساجد در امانند .»⁽⁴⁾

از عوامل خود کشی های جوانان و بزرگسالان، هجوم غمها و مصیبتها به آنان است که اگر

1. همان. 2. بحار، ج 35، ص 100. 3. قصار الجمل، ج 1، ص 386. 4. همان. 5. وسائل، ج 5، ص 263.

آدمی در این مواقع به نماز پناه نبرد شاید نتواند این بار را تحمل کند و از حال طبیعی خارج شده و دست به کارهای خلاف عقلی همچون خود کشی می زند . اما آنان که به نماز پناه می برند، احساس می کنند که شارژ شده و قدرت و قوت تازه ای برای تحمل مشکلات و برخورد با آن پیدا می نمایند .

«امام صادق علیه السلام: چه مانعی دارد که وقتی برای یکی از شما مشکلی پیش می آید وضو گرفته و به مسجد رفته و دو رکعت نماز بخواند و از خداوند سبحان حاجتش را بطلبد. مگر نشنیده اید که خداوند سبحان فرموده است: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ». از صبر و نماز کمک بگیرید.»⁽⁵⁾

نماز و اجابت دعا

اثر دیگر نماز در اجابت دعای انسان است. کسانی که اهل نماز هستند چون به خداوند سبحان نزدیکتر می باشند و پیشانی را در مقابل پروردگار خویش بر زمین می گذارند، دعاهایشان مستجاب می شود ولی افراد بی نماز دعایشان مستجاب نمی شود مگر در بعضی موارد استثنائی.

1. تفسیر درر المنثور، ج 1، ص 67. 2. سوره بقره، آیه 45. 3. بحار، ج 82، ص 223.

4. مستدرک، ج 1، ص 226. 5. وسائل، ج 5، ص 263.

در حدیث قدسی است که خداوند سبحان فرمود: اگر کسی مُحَدِّث شد و وضو نگرفت به من جفا کرده است. و اگر وضو گرفت و دو رکعت نماز نخواند، بمن جفا کرده است. و اگر نماز را خواند و دعا نکرد، بمن ستم کرده است. و اگر وضو گرفت و نماز را خواند و دعا کرد ولی من اجابت نکردم، من به او ستم کرده ام!⁽¹⁾

«امام صادق علیه السلام: هنگام حاجت، دو رکعت نماز بخوان و بر محمد و آلش صلوات بفرست و حاجت را بگو. آنوقت حاجتت روا می شود.»⁽²⁾

«امام صادق علیه السلام: هر که گرسنه باشد - و پول نداشته باشد - وضو بگیرد و دور کعت نماز بخواند و بگوید: خدایا من گرسنه‌ام! مرا سیر نما. بلافاصله به او غذا داده می‌شود.»⁽³⁾

«امام صادق علیه السلام: دروغ گفته کسی که بگوید نماز شب می‌خوانم ولی گرسنه‌ام و پول ندارم. زیرا نماز شب روزی روز را ضمانت کرده است.»⁽⁴⁾

«امام صادق علیه السلام: همانا خداوند سبحان نماز را در بهترین وقتها واجب کرد پس بعد از نمازهایتان حاجتهای خود را بخواهید.»⁽⁵⁾

علماء و عرفائی همچون مرحوم حسنعلی اصفهانی و راشد و شیخ انصاری و سید بحر العلوم و قاضی و دیگران که دعاهایشان مستجاب می‌شد بخاطر نمازهای خالصانه آنها بوده است. وقتی مرحوم حسنعلی اصفهانی شب را تا به صبح در یک رکوع می‌گذراند، چگونه مستجاب الدعوه نباشد که گویند افسری که سالها از همسرش بچه‌دار

1. همان. 2. فروع کافی، ج 3، ص 479. 3. اصول کافی، ج 2، ص 63.

4. بحار، ج 87، ص 15. 5. بحار، ج 85، ص 324.

نشده بود به او مراجعه می‌نمود و او با یک دانه خرما او را معالجه می‌کرد و صاحب بچه شد. و یا زن مسیحی که دچار سرطان شده بود واسطه نزد او فرستاد و او زن را شفا می‌دهد چنانچه بعد از رحلت مرحوم اصفهانی می‌بینند زن مسیحی برای رحلت این عالم ربانی مستجاب الدعوه بر سر و سینه می‌زند و اشک می‌ریزد!⁽¹⁾

یکی از راههای شناخت افراد صاحب کرامت از مدعیان دروغین مسئله نماز است. گاه در فلان شهر پخش می‌شود که دختری امام زمان را دیده است! یا خانمی بنام بی‌بی زهرا زندهای عقیم را شفا می‌دهد و یا فلان آقا دعا نویس با کرامتی است! اما وقتی به حالات

این مدعیان دقت می‌شود مشخص می‌گردد که حتی بعضی از آنها حمد و سوره را بلد نیستند بخوانند! و اصلاً نماز نمی‌خوانند! و همین برای کذب ادعای آنان کافی است.

نماز و برطرف شدن خطر

در هنگامی که خطری متوجه انسان می‌شود، باید علاوه بر عکس العمل مناسب، به نماز روی بیاورد. و گاهی هیچ راهی جز روی آوردن به نماز برای انسان وجود ندارد.

راوی می‌گوید که منصور دوانقی در وقتی عصبانی شد و تصمیم به قتل امام صادق علیه‌السلام گرفت. لذا امام را احضار نمود. هنگامی که امام به در قصر او رسیدند، امام به من (راوی) فرمود: صبر کن تا دو رکعت نماز بخوانم. وقتی امام نماز خواندند و نزد منصور رفتند. منصور اول عصبانی بود ولی بعد بصورت یک آدم متملق در آمد و امام را با احترام به منزلش برگرداند.⁽²⁾

1. نشان از بی‌نشانها. 2. همان.

در زندگی علماء زیاد شنیده شده که در مواقع بحرانی و خطر به نماز روی می‌آوردند. از جمله وقتی حکم کشتن ملا طاهر قمی از سوی شاه طهماسب صفوی صادر شد و مأمور جلاد با دست خط شاه نزد ملا طاهر رفت. قبل از اجرای حکم شاه، ملا طاهر مشغول نماز شد، و یک نماز طولانی را شروع کرد. ناگاه حکم دیگر شاه مبنی بر دستگیری ایشان و رفتن نزد شاه باطلاع ملا طاهر رسید. و هنگامی که او را نزد شاه بردند، سخنانی بینشان رد و بدل شد و عاقبت با صحت و سلامت از کاخ شاه بیرون آمد.

نماز و رفع مشکلات خانوادگی

بسیاری از طلاقها و جدایی‌ها و مشکلات خانوادگی با بی‌نمازی ارتباط دارد. مثلاً خانمی در مجلس زنانه گریه می‌کردند و می‌گفتند بعد از دو ماه که به خانه شوهر رفتم بیوه شدم. زیرا فهمیده‌ام که شوهرم معتاد است!

اگر این مورد را ریشه‌یابی نمائیم می‌بینیم که در هنگام خواستگاری شوهر از این زن، خود زن و خانواده‌اش به مسئله نماز مرد توجهی نداشتند بلکه بیشتر به خصوصیات مادی و مسائل رفاهی و درآمد او دقت نمودند و چون از این جهت خیالشان راحت شد به او جواب مثبت دادند. اما بعد از دو ماه این خوشیها تمام شد و حال باید سالهای طولانی را با این مشکل دست به گریبان بشوند. در حالی که وقتی شخصی خدمت باقر علیه‌السلام رفت و گفت برای دخترم خواستگار آمده است. آیا دختر به او بدهم؟ امام فرمود اگر از دین و اخلاق او راضی هستی بده. و دیگر نفرمود وضع مالیش چگونه است؟

و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: اگر کسی که از دین و اخلاقش راضی هستید به خواستگاری بیاید و دختر ندهید، فساد بزرگی پدید می‌آید! ⁽¹⁾

مشکلاتی مانند اعتیاد سرپرست خانواده، بیکاری او و دوستان ناباب و مجالس گناه و فساد بی‌ارتباط با بی‌نمازی نیست. لذا یکی از قضات در مورد جوانانی که شراب خورده و مست کرده بودند و اقدام به عربده کشی و شکستن شیشه‌های ماشین‌ها و مغازه‌ها نموده بودن، حکم به حضور در نماز جماعت مسجد بمدت چهل روز نموده بود. زیرا نماز است که کانون خانواده‌ها را محکم کرده و از اختلافات و طلاق‌ها جلوگیری می‌کند.

مخصوصا اگر زن و مرد هر دو خدایی باشند . هر دو نمازخوان و متدین باشند . هر دو در وادی معرفت گام نهاده باشند:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : خدا رحمت کند مردی را که برای نماز شب برخیزد و همسرش را هم بیدار کند حتی با پاشیدن آب بروی او و یا زن برخیزد و شوهرش را بیدار کند و هر دو به نماز بایستند»⁽²⁾.

ای خانواده‌هایی که می‌خواهید دختران و پسران آبرو داری داشته باشید ! خود و شوهرانتان به نماز پناه ببرید و فرزندان خود را به نماز جمعه‌ها و مساجد برده و از سجده در مقابل خداوند بزرگ تکبر ننمائید ! اگر می‌خواهید فرزندان‌تان در مقابل سیل شیطانی که برای انحراف آنان دام پهن کرده‌اند، در امان باشند نیز به نماز پناه ببرید .

نماز قلعه محکمی در مقابل حملات شیاطین جنّی و انسی است . در مسجد است که جوان شما دوستان خوبی پیدا می‌کند . در مسجد است که با راه درست زندگی کردن و پاکدامن بودن آشنا می‌شود . در مسجد است که زیربنای دینی او قوی می‌شود و فردا هر

1 . بحار، ج 100، ص 373. 2. میزان الحکمه، ج 5، ص 418.

سازمان بی‌دینی او را بطرف خود نمی‌کشاند . همانند سازمان منافقین که چه بسیار جوانان بی‌گناه ایرانی را بخود جذب نموده و از آنان هیولاهایی ساختند که علیه کشور خود وارد جنگ شدند و هزاران جنایت انجام دادند . و عاقبتی بس بد در دنیا و آخرت برای خود خریدند و خانواده‌های خود را برای ابد عزادار نمودند ! در حالی که اگر زیر بنای محکم

دینی داشتند و با روحانی و مسجد آشتی داشتند، هرگز به انحراف کشیده نمی شدند . اگر چه در موارد استثناء هم دیده شده که منافق از خانواده‌ای مذهبی و اهل مسجد بوده ولی بدلائل دیگر به نفاق پیوسته است .

تأکید بر نماز خواندن فرزندان

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»⁽¹⁾.

یعنی خانواده‌ات را امر به نماز نما و بر این مسئله مداومت کن .

مسئله نماز از مهمترین نشانه‌های تربیت صحیح است . در خانه‌ای که والدین نماز خوانده و تا کودک به سن بالا برسد مرتب او را به خواندن نماز امر می نمایند، امید به هدایت و سعادت فرزند هزاران بار بیشتر است تا خانه‌ای که اگر چه پدر و مادر خود اهل نمازند ولی فرزندان خود را رها کرده‌اند و باصطلاح آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خود مسیر درست را انتخاب نمایند و این بزرگترین اشتباه سرپرست خانواده است که نوجوانی را که اصلاً نمی تواند خیر و صلاح خود را تشخیص دهد و از طرفی نماز زحمتی برای اوست،

1 . سوره طه، آیه 132.

آزاد بگذارند به این امید که روزی برسد که خود نوجوان به نماز گرایش پیدا کند !

خداوند سبحان در قرآن کریم به پدران دستور می دهد که خود و خانواده خود را از جهنم نجات دهید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»⁽¹⁾.

ای مؤمنین! خود و خانواده‌تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله: در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید.»⁽²⁾

اهمیت شرکت در نماز جمعه و جماعت و مراسمات دینی به همراه فرزندان پدرانی که خود در مجالس معنوی شرکت می‌کند و فرزندان خود را نیز به همراه می‌برد، می‌تواند امیدوار باشد که آینده فرزندان، از نظر دوری از انحرافات اخلاقی، آینده سالمی خواهد بود. ولی پدرانی که خود هیچگاه پا به مسجد و عبادتگاه الهی نگذاشته‌اند و غرورشان اجازه نمی‌دهد که در مقابل پروردگارشان سجده نمایند، چگونه امید دارند که فرزندان خوبی و سالمی تربیت کنند؟

مسجد محلی است که در آن انسانهای والا تربیت می‌شود.

مسجد سنگر اسلام است. مسجد محل ملاقات مؤمنین و وحدت و صمیمیت آنان است. اگر چه گاهی افراد منافق هم در مسجد پیدا می‌شوند یا افرادی که از شرکت در مسجد مقاصد شومی را در ذهن دارند ولی اکثر نمازگزاران کسانی هستند که بدون قصد دنیایی و فقط برای اطاعت از خدایشان در مسجد و مراسمات مذهبی حضور پیدا می‌کنند و خداوند سبحان هم طبق وعده‌هایی که داده است در دنیا و آخرت از آنان حمایت می‌کند:

«إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»⁽³⁾.

خداوند از مؤمنین دفاع خواهد کرد .

نماز و بالا رفتن از نردبان معرفت !

نماز مهمترین نردبانهای بالا رفتن بسوی معرفت الهی است . آن چنان که نماز معراج مؤمن لقب گرفته است . منتها نمازی که با شرایطش ادا شود . والا نمازی که ناقص باشد نمی تواند انسان را به معراج ببرد ولی باز همین نماز ناقص دارای تأثیرات شگرفی در اصلاح انسان می گذارد . در این قسمت به مراتب نماز و اثران آن در هر مرتبه اشاره می شود:

مرتبه اول نماز این است که یک نماز مؤدب و نماز اول وقت و نماز خوبی می خواند . اگر چه مقبول خدا نیست . کار برد این نماز این است که انسان را از سقوط نگه می دارد و نمی گذارد نماز خوان ساقط شود . چون همه ما در معرض سقوط هستیم . نفس اماره و

1 . سوره تحریم، آیه 6 . 2 . میزان الحکمة 57/1 3 . سوره حج، آیه 39 .

شیطان و رفیق بد و محیط بد دشمن هستند . انسان باید چیزی داشته باشد تا سقوط نکند . و آن نماز است . «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»⁽¹⁾ .

مرتبه دوم آن است که نماز هم جسم دارد و هم روح . روح نماز، حضور قلب است . یعنی از اول نماز تا آخر که می گوید: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته . خود را در محضر

خدا می‌بیند . این نماز به آسمان بالا می‌رود تا مقبول خدا شده و خدا و پیامبر و ملائکه و حتی خود نماز به او درود می‌فرستند . این نماز رفع گرفتاری در دنیا و آخرت می‌کند .

مرتبه سوم نمازی است که معاشقه بین نمازگزار و خدا است . بین عبد و مولا . همان که امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرماید: دو رکعت نماز در دل شب در نزد من از دنیا و آنچه در آن است محبوب‌تر است .

نقل شده که وقتی موسی علیه‌السلام به مناجات می‌رفت شخص بی‌حیایی در راه به او برخورد و گفت به خدا بگو چقدر من گناه می‌کنم و تو عذابم نمی‌کنی؟ موسی علیه‌السلام وقتی نزد خداوند سبحان رفت حیا کرد پیام او را برساند . خداوند سبحان فرمود چرا پیغام بنده‌ام را نمی‌دهی؟ گفت خدایا! خجالت می‌کشم سخن او را نقل کنم و خودت آن را می‌دانی . خطاب شد: موسی! برو به او بگو بالاترین بلاها را به تو دادم . اما توجّه نداری . آیا تو از نماز لذت می‌بری؟ همین که نماز برایت سنگین است، بالاترین بلاست .⁽²⁾

1 . سوره عنکبوت، آیه 45 . 2 . اخلاق و خود سازی.

یکی از نمازهای واجب، نماز جمعه است این واجب الهی. انقدر مهم است که ثواب دوایست سال عبادت برای نماز جمعه ذکر شده است. از طرفی حضرت علی (ع) می فرماید کسی که سه جمعه پشت سرهم بدون علت، نماز جمعه نرود مُهر نفاق بر قلبش زده میشود.

جایگاه روزه در قرآن

روزه ماه مبارک رمضان بر هر مسلمانی که مریض و مسافر نباشد واجب است.

اگر کسی عمداً روزه نگیرد تا سه بار تعزیر میشود یعنی شلاق می خورد و باز اگر روزه خواری کرد حکمش اعدام است!

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُم وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»⁽¹⁾

یعنی ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است. قرآنی که باعث هدایت مردم بوده و نشانه هدایت و جدا کننده حق از باطل است. هر که ماه رمضان را درک کند باید روزه بگیرد و اگر مریض یا مسافر بود در وقت دیگری قضا کند. خداوند سبحان راحتی شما را می خواهد و سختی شما را نمی خواهد. هدف این است که با گرفتن روزه در ایام خاص، خدا را بخاطر هدایت شما با بزرگی یاد کرده و از او تشکر کنید.

یک مهمانی مخصوص

پادشاه جهان سالی یک بار به رعیت هایش به مدت یک ماه، مهمانی مخصوصی می‌دهد. مهمانان باید از اذان صبح تا اذان مغرب منتظر سفره غذا بمانند. در این مدت مرتب از طرف پادشاه جهان به مهمانها هدیه‌ها داده می‌شود. برای هر نفس زدن یک هدیه. برای خوابیدن یک هدیه. برای قرآن خواندن هدیه بزرگتر. برای نماز خواندن هم یک هدیه. برای صله رحم و عیادت مریض و شرکت در مجلس علم و شرکت در کارهای خیر هر کدام هدایای جداگانه داده می‌شود.

1. سوره بقره، آیه 185.

متأسفانه عده زیادی از رعیت‌ها بخاطر غفلت و جهل و نادانی و دشمنی با پادشاه جهان در این مهمانی شرکت نمی‌کنند و از این هدایای بزرگ و ابدی بی‌نصیب می‌مانند. اکثر اینها کسانی هستند که زندگی چند روزه دنیا را بر زندگی ابدی در بهشت و استفاده از هدایای خداوند، ترجیح می‌دهند. آنها مانند حیوانات می‌خورند و می‌چرند و از نعمتهای پادشاه جهان استفاده می‌کنند ولی نمک خورده و نمکدان می‌شکنند و با پادشاه عالمیان دشمنی می‌ورزند و او و نمایندگان را انکار می‌کنند و گاه پا را از این فراتر گذاشته و نمایندگان او را اذیت و آزار نموده و می‌کشند. در مقابل، پادشاه جهان به عده‌ای از آنها فرصت می‌دهد تا قبل از مردن خود را اصلاح کنند و دست از دشمنی با او بردارند و عده‌ای دیگر را بخاطر اعمال بدشان و برای عبرت دیگران مجازات می‌کند.

عده‌ای از آن دسته‌ای که خداوند سبحان به آنها مهلت می‌دهد بعد از مدتی توبه کرده و با پادشاه جهان آشتی می‌کنند و همه ساله در مهمانی او شرکت می‌کنند و رعیت خوبی می‌شوند. ولی عده‌ای دیگر به لجاجت و انکار خود ادامه داده تا عاقبت با این وضع از دنیا می‌روند.

با آرزوی این که مهمان خوبی برای پادشاه جهان باشیم.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»⁽¹⁾

یعنی: ای مؤمنین! روزه بر شما واجب است همانگونه که بر امت‌های گذشته واجب بود شاید پرهیزکار شوید. که در این آیه شریفه هدف از روزه، رسیدن به تقوا ذکر شده است.

خداوند سبحان با وجوب روزه اراده فرموده تا نفس عبادت کنندگان تربیت و تهذیب شود. مسلمانان با روزه گرفتن، تمرین مبارزه با نفس می‌نمایند. با روزه به جنگ شهوات و لذات افسار گسیخته می‌روند.

از طرفی برنامه انسان در غیر ماه روزه انسان را به خوردن و خوابیدن و سستی وامی‌دارد ولی روزه رمضان این سستی‌ها را از بین می‌برد.

به هنگام روزه نه تنها از خوردن و آشامیدن و امور جنسی خودداری می‌شود بلکه اخلاق انسان هم باید روزه بگیرد و خوددار باشد.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : روزه عامل باز دارنده است پس هر گاه روزه گرفتید از امور جنسی خوددار باشید . فریاد و پرخاش نکنید . اگر کسی به شما دشنام داد یا به جنگش برخاست بگوید من روزه‌ام . من روزه‌ام.»⁽²⁾

امام صادق علیه السلام : خداوند سبحان روزه را برای ایجاد مساوات بین فقیر و پولدار واجب نمود زیرا پولدار هیچگاه دچار گرسنگی و بی پولی نمی شود تا بر فقیر رحم کند چون هر موقع گرسنه شود غذا برایش آماده است . پس خداوند سبحان اراده کرد تا بین مخلوقاتش تساوی قرار دهد و پولدار هم مزه گرسنگی و درد را بچشد . تا بر فقیر و گرسنه رحم کند .

1 . سوره بقره، آیه 138.

2 . انقلاب تکاملی اسلام، ص 320.

امام رضا علیه السلام : برای این روزه در رمضان واجب شد زیرا این ماه نزول قرآن است و شب قدر که افضل از هزار ماه است در این ماه قرار دارد . و برای این یک ماه روزه واجب شده زیرا همه می توانند یک ماه را روزه بگیرند .

امام صادق علیه السلام : کسی که یک روز از ماه رمضان را بخورد روح ایمان از او خارج می گردد .

رمضان به معنای سوختن است زیرا در ماه رمضان گناهان سوزانده می شوند .

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : روزه بگیرید تا سالم بمانید و زکات بدنهار، روزه است.»⁽²⁾

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : بر شما باد به روزه گرفتن ! زیرا روزه خون رگها را رقیق می کند و زواید بدن را از بین می برد.»⁽³⁾

پیامبر اکرم (ص) فرمود " روزه بگیرید تا سالم بمانید." یکی از آثار روزه سلامتی و عافیت است. روزه انسان را از بیماری ها نجات می دهد.

روزه داری و سلامت جسم

در روزه داری صحیح 20 درصد مصرف مواد غذایی کم می شود. فواید روزه بخاطر پرهیز از خوردن برای ساعات متوالی (معمولا در حدود 12 ساعت) و همچنین کاهش انرژی دریافتی برای بدن بدست می آید.

در زمان روزه داری، بدن به سراغ ذخایر چربی موجود برای تامین انرژی مورد نیاز می رود و این امر طبق مطالعات صورت گرفته فرصتی مناسب برای بهبود وضعیت متابولیسم بدن، کاهش وزن، تناسب اندام و ارتقا سلامتی روزه داران فراهم می سازد. از سوی دیگر برای برخی از ارگانهای بدن مانند دستگاه گوارش روزه داری در واقع به مانند یک استراحت کلی و همانند خانه تکانی و نظافت کل سیستمهای بدن محسوب می شود. همانطور که قلب انسان لحظه ای کار می کند و لحظه ای استراحت، بدن انسان هم بعد از 11 ماه کار مداوم، نیاز به یک استراحت یک ماهه دارد.

بهبود چربی خون

روزه برای افراد با چربی خون بالا می تواند مفید باشد به شرط آنکه داروهای مصرفی را پس از سحری و پس از افطار به شکل مرتب استفاده کنند و میزان کافی آب در فاصله افطار تا سحر میل کنند. روزه به بهبود پروفایل چربی خون کمک می کند و باعث بهبود میزان کلسترول مفید و کم شدن میزان کلسترول بد خون می شود.

کاهش وزن و کاهش احتمال بروز دیابت

یکی دیگر از فواید روزه کمک به کاهش وزن می باشد. روزه داری و کاهش مصرف ترکیبات قندی به ویژه در وعده سحر باعث کم شدن سطح انسولین نسبت به روزهای دیگر در سال می شود تقویت سیستم دفاعی با روزه داری

روزه داری با کاهش میزان انرژی دریافتی بدن را در موقعیت دفاعی قرار می دهد و همچون واکسیناسیون در این مورد عمل کرده و باعث تقویت سیستم ایمنی و بهبود وضعیت دفاعی بدن می شود.

تقویت سیستم سم زدایی در بدن
روزه در بهبود کیفیت فرایند سم زدایی در بدن میتواند موثر واقع شود که این امر به درجاتی مربوط به برداشت از ذخایر چربی بدن و نوسازی این ذخایر در بدن است. بعلاوه با کاهش فعالیت متابولیکی مربوط به هضم و جذب در کبد به عنوان یک ارگان موثر در امر سم زدایی می توان انتظار داشت که احیا مجدد این ارگان صورت گیرد

و دهها مورد دیگر از اثار سلامتی برای روزه توسط محققین و متخصصین بیان شده است

جایگاه خمس در قرآن و حدیث

دادن خمس بر هر مسلمانی که درآمد دارد واجب است.

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»⁽¹⁾

یعنی: بدانید که از هر چه گیرتان آمد باید یک پنجم را برای خدا و پیامبر و سادات و یتیمها و مساکین و در راه مادنه قرار دهید اگر به خدا و قرآن کریم و روز قیامت ایمان دارید که خدا بر هر چیزی قادر است .

«اصل وجوب خمس فی الجملة از ضروریات اسلام است و منکر آن کافر است و خلاصه این که خمس یکی از فرایض الهی است که در قرآن مجید و روایات مستفیضه به آن امر تأکید شده و محل اتفاق همه شیعه امامیه بلکه عموم مسلمین است اگرچه در بعضی خصوصیات آن از حیث مورد و مصرف، اختلاف وجود دارد و چنانچه کسی از پرداخت یک درهم یا کمتر امتناع کند در زمره ظالمین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ذریه آن حضرت می باشد و از غاصبین حق آنها محسوب می شود . بلکه هر کس خمس را حلال بداند از کافرین است و در هر صورت تا انکار شخص نسبت به اصل خمس محرز نشود نمی توان حکم به کفر او کرد .⁽²⁾

مراد از زکات که در آیات زیادی از قرآن کریم آمده هم زکات اصطلاحی و هم خمس است . زیرا مراد از زکات پاک کردن مال از حقوق مالی می باشد چه حقوق مالی زکات باشد و چه خمس باشد .

امام زمان «عج» فرمود: لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسی است که از مال ما درهم حرامی بخورد .⁽³⁾

امام زمان «عج»: کسی که مالش زیاد باشد و حق آن را ادا نکند بدرستی که مالش در روز قیامت مارهایی خواهند بود که او را نیش می زنند .⁽⁴⁾

امام باقر علیه السلام : برای هیچ کس روا نیست چیزی از خمس را خریداری کند تا حق ما به ما برسد .⁽¹⁾

امام عصر علیه السلام فرمود: «اموالی که شما بما می‌رسانید، ما آن را برای پاک شدن شما از گناهان قبول می‌کنیم. بنابراین هر که می‌خواهد بما برساند و هر که نمی‌خواهد قطع کند که آنچه خداوند سبحان بما داده است از آنچه شما می‌دهید، بهتر است.»⁽²⁾

مهریه زن و هدیه و ارث خمس ندارد و سرمایه و زمین کشاورزی و وسیله نقلیه‌ای که منبع درآمد است و مغازه و پولی که بر آن یکسال گذشته و... خمس دارد.

مصرف خمس

خمس بر شش قسمت می‌شود که سه قسمت آن در زمان غیبت کبری به مجتهد مرجع

1. سوره انفال، آیه 41. 2. جامع المسائل آیه الله فاضل، ج 2، ص 176.

3. بحار، ج 53، ص 84. 4. بحار، ج 96، ص 29.

تقلید داده می‌شود و سه قسمت هم سهم سادات فقیر است که اکثر مراجع اجازه نمی‌دهند

خود شخص به سید فقیر بدهد و باید با هماهنگی مرجع تقلید باشد و بعضی مثل آیه الله سیستانی اجازه داده‌اند که سهم سادات را خود شخص خمس دهنده به سید فقیر بدهد.

چنانچه با مالی که خمس به آن تعلق گرفته شده لباس بخرد نماز در آن اشکال دارد و همچنین اگر فرش یا خانه و... بخرد تصرف در آنها تا حلال کردن مال اشکال دارد.

یکی از عالمان اهل تسنن به حوزه علمیه قم سفر کرده بود و به تعدادی از مدارس علمیه سر زده بود . او بادیدن صدها عالم و دهها مؤسسه دینی و علمی و فرهنگی متعجب شده بود و گفته بود که:

هزینه این همه مراکز حوزوی و مخارج این تعداد از روحانیون را چه کسی تامین می کند؟
به او جواب داده بودند که همه اینها از طریق خمس تامین می شود . ایشان گفته بود عجب ! پس ما اهل تسنن هم باید این گونه خمس را در شهرمان اجرا نمائیم .

آری از برکت خمس و حلال کردن اموال شیعیان اهل بیت علیهم السلام است که در طول سال هزاران کار دینی و فرهنگی از قبیل اداره حوزه های علمیه، تاسیس مراکز اشاعه فرهنگ قرآن و عترت، انتشار صدها جلد کتب دینی و فرهنگی چه در ایران و چه در خارج از ایران، انجام می پذیرد و باعث خوشنودی خداوند سبحان و نماینده اش امام عصر «عج» می گردد .

1 . وسایل، ج 6، ص 338. 2. آیا به یاد امام زمان هستید

کسانی که تاکنون خمس نداده اند باید بدانند که اسلام مجموعه ای از دستورات و احکام است که نمی توان به بعضی عمل کرد و به بعضی عمل ننمود . و اگر خدای ناکرده بدون اینکه خمس مالشان را بدهند از دنیا بروند، در عالم برزخ چگونه می خواهند جواب مامورین الهی را بدهند؟

اگر چه در قرآن کریم در مورد خمس فقط یک آیه در سوره انفال بصورت صریح آمده است ولی باتوجه به اینکه یکی از معانی زکات، خمس مال است لذا مراد از زکات در

قرآن کریم، فقط زکات نه چیز نیست بلکه شامل فطریه، خمس، صدقات مستحب و کمک به فامیل می باشد .

اگر کسی از سال اولی که درآمد داشته برای خود سال خمسی قرار داده است همه اموالش حلال می باشد و همه ساله در روزی که سال خمسی او فرا می رسد فقط باید خمس اموالی که اضافه شده بدهد ولی کسانی که تا چند سال خمس نداده اند باید پولهایی را که در بانک دارند یا سهام خریده اند و یا ماشینی دارند که با آن کار می کنند و یا مغازه و زمین کشاورزی دارند و یا خانه دوم و سوم دارند یک پنجم آنها را به عنوان خمس به دفاتر مراجع تقلید یا ائمه جمعه هر شهر بدهند . و خانه ای که در آن زندگی می کنند و اثاث و وسایل خانه و ماشینی که برای استفاده خود و خانواده است را بصورت یک بیستم جهت پاک شدن یقینی اموال از خمس حساب کرده و به افراد مذکور بدهند و تاریخ آن روز را بعنوان سال خمسی ثبت نمایند و رسید با مهر مرجع تقلید دریافت کنند.

زکات

دادن زکات هم بر کسانی که شرایط آن را دارند واجب است

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»⁽¹⁾.

یعنی: زکات برای فقرا، مساکین، کارگزان جمع آوری زکات، مخارج هدایت کافران، آزاد کردن غلامان، ادای قرض قرضداران و در راه خدا است و واجب بوده و خداوند آگاه و حکیم می‌باشد .

زکات سهمی از درآمد کسانی است که گندم و جو و انگور و خرما و گوسفند و شتر و گاو و طلا و نقره با شرایطی که در رساله‌ها نوشته شده داشته باشند .

پرداخت زکات از نظر خداوند، یکی از علامتهای دینداری و شرط ضروری ایمان شمرده شده است .

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ»⁽²⁾

یعنی: حقیقتاً مؤمنین رستگار شدند آنانکه در نماز خاشع، از لغو دور و اهل زکات دادن هستند .

ندادن زکات نشانه شرک است

«وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ، الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ»⁽³⁾

یعنی: وای بر مشرکین که زکات نمی‌دهند و قیامت را قبول ندارند .

موارد زکات

چنانچه «گندم، جو، خرما، انگور» به مقدار تقریبی 870 کیلو گرم برداشت کند باید در آنجایی که از آب باران و رودخانه استفاده کرده یک دهم و در آنجا که از آب چاه استفاده نموده، یک بیستم را زکات بدهد.

و چنانچه «گوسفند، گاو، شتر» دارد و دوازده ماه از علف صحرا استفاده می کنند وقتی به حد نصاب رسیدند باید زکات آنها را بدهد.

و چنانچه «طلا و نقره» دارد اگر به حد نصاب رسید باید زکات آن را که در بیست مثقال طلا تقریباً نیم مثقال می شود را بدهد.

مصارف زکات

زکات را می توان در هشت مورد مصرف نمود و نیازی به اجازه از مجتهد نیست: 1 -

فقیر 2 - مسکین 3 - کارگزاران جمع آوری زکات 4 - برای مسلمان کردن کفار

5 - بدهکارانی که نمی توانند قرض خود را ادا کنند. 6 - برای آزاد کردن غلام

7 - در راه ماندگان 8 - در راه خیر مثل مسجد و بیمارستان و روضه خوانی و کتابخانه و ازدواج و غیره...

زکات آن چنان جایگاه مهمی دارد که در صدر اسلام بخاطر اهمیتی که پیامبر اعظم به امر زکات می داد، گرفتن آن را واجب نموده و اگر اهل قبیله ای از دادن زکات خودداری می کردند با آنها می جنگید. زیرا زکات برای جامعه اسلامی ضروری است.

زکات فقر را از جامعه برطرف می نماید .

زکات اموال مسلمانان را پاک می نماید .

زکات احساس مسئولیت را در افراد متمکن بیدار می نماید .

زکات باعث بهره‌مندی عده‌ای از محرومین از مواهب زندگی شده و جلو رشد جرم و گناه را می گیرد .

زکات نمی‌گذارد مسلمانان فقیر به گدایی رو بیاورند .

زکات باعث عمران و آبادانی مساجد و مکان‌های مذهبی می شود .

حج

یمی از واجبات مهم رفتن به حج است که بر کسانی که استطاعت دارند یکبار در عمر واجب میشود.

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^(۱).

یعنی: برای خدا بر کسانی که مستطیع هستند حج واجب است .

«جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ»^(۲).

یعنی: خداوند کعبه را برای قیام مردم قرار داده است .

شرایط استطاعت

حج از ارکان دین و ترک آن از گناهان کبیره است. و به حکم اصل شرع، در طول عمر انسان جز یک بار واجب نمی گردد و در اصطلاح به آن حَجَّةُ الاسلام گفته می شود.

وجوب حج در صورتی است که انسان همه شرایطی که خواهد آمد را داشته باشد.

پس برای اشخاصی که واجد شرایط بوده و به حج واجب رفته اند و نیز کسانی که شرایط وجوب آن برایشان فراهم نیست حج رفتن و تکرار آن مستحب است.

از آن جا که به هنگام احرام بستن، تعیین نوع حج و نیز تعیین واجب یا مستحب بودن آن در صورت توقف تعیین نوع حج بر آن، لازم و واجب است، به همین جهت دانستن شرایط وجوب حج برای تعیین آن از حیث حَجَّةُ الاسلام یا نذری و استحبابی بودن مهم و ضروری است.

اگر از این وجه صرف نظر شود، دانستن شرایط وجوب آن، از جهت دیگر نیز اجتناب ناپذیر می باشد؛ زیرا که حج استحبابی کفایت از حَجَّةُ الاسلام نمی کند پس بر کسی که حج انجام می دهد باید معلوم باشد حج که می رود بدان موظف است یا نه؟ تا بداند که در آینده وظیفه ای متوجه او خواهد بود یا خیر؟

پیرامون شرایط وجوب حج در کتاب تحریرالوسیله ج 1 ص 340 و 341 چنین آمده است:

«القول فی شرائط وجوب حَجَّةِ الإسلام و هی أمور:

أحدها- الکمال بالبلوغ و العقل، ...

ثانیها- الحریة

ثالثها- الاستطاعة من حیث المال و صحة البدن و قوته و تخلیه السرب و سلامته و سعة الوقت و کفایته.»

بنا بر این؛ شرایط وجوب حج بنا بر فتوای امام خمینی ره عبارت است از:

1- کامل بودن انسان به واسطه داشتن عقل و به بلوغ رسیدن، بنا بر این بر بچه، هرچند نزدیک بلوغ باشد، و بر شخص دیوانه واجب نیست.

2- حرّ بودن یعنی برده نبودن

3- استطاعت که آیه 97 سوره مبارکه آل عمران آن را چنین بیان کرده است:

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

مراد از استطاعت، داشتن توانایی مالی؛ و برخورداری از سلامت و قدرت بدنی؛ و باز بودن راه و امنیت مسیر؛ و وسعت وقت و کافی بودن آن برای حج است؛ پس در وجوب حج استطاعت شرعی معتبر بوده و قدرت عقلی داشتن کافی نمی باشد.

نکته دیگری که در حصول استطاعت دخیل و شرط آن است، فراهم و تامین بودن هزینه افراد تحت تکفل انسان در طول سفر است.

امام خمینی ره در تحریر الوسیله؛ ج 1، ص: 379 در این باره چنین فتوا داده اند:

مسألة 38- يشترط في الاستطاعة وجود ما يمون به عياله حتى يرجع، والمراد بهم من يلزمه نفقته لزوما عرفيا وإن لم يكن واجب النفقة شرعا على الأقوى.

یعنی: وجود چیزی که عائله انسان تا مراجعت وی از حج با آن امرار معاش کند، در استطاعت شرط است، و بنابر اقوی مقصود از عائله کسانی هستند که عرفا نفقه آن ها بر او لازم باشد اگر چه شرعا واجب النفقه او نباشد.

4- رجوع به کفایت شرط دیگری است که بر اساس آن وجوب حج به هیچ وجه مشتلزم محتاج خلق شدن و دست نیاز به سوی دیگران دراز نمودن بعد از مراجعت نمی باشد؛ و امام خمینی ره بر خلاف بعض از فقهاء بدان قائل بوده و آن را در وجوب حج لازم و معتبر می داند.

این فتوا که به لحاظ اجتماعی و وضعیت اقتصادی و وضع و حال مردم با اصل کرامت انسان و حفظ و پاسداری از آن سازگاری بیشتری دارد، در کتاب الحج تحریر مسأله 39 از مسائل مبحث "القول فی شرائط وجوب حَجَّة الاسلام" بدین شرح آمده است:

مسأله 39- الأقوى اعتبار الرجوع إلى الكفاية من تجارة أو زراعة أو صنعة أو منفعة ملك كبستان و دكان و نحوهما بحيث لا يحتاج إلى التكفف و لا يقع في الشدة و الحرج، و يكفي كونه قادرا على التكسب اللائق بحاله أو التجارة باعتباره و وجاهته، و لا يكفي أن يمضى أمره بمثل الزكاة و الخمس. و كذا من الاستعطاء كالفقير الذى من عادته ذلك و لم يقدر على التكسب، و كذا من لا يتفاوت حاله قبل الحج و بعده على الأقوى، فإذا كان لهم مئونة الذهاب و الإياب و مؤونة عيالهم لم يكونوا مستطيعين، و لم يجز حجهم عن حجة الإسلام

رجوع به کفایت یعنی این که: شخص بعد از برگشت و مراجعت از حج، کاری یا چیزی که زندگی او را کفایت می کند داشته باشد، از قبیل تجارت، کشاورزی، صنعت، یا منافع ملکی مانند باغ و دکان و مانند این ها، بطوری که بعد از برگشتن نیازمند دست دراز کردن جلوی مردم نباشد و به مشقت و سختی و حرج نیفتد.

در پایان تذکر این نکته لازم است که شرطیت زاد و راحله و رجوع به کفایت در وجوب حج که به اختصار شرح آن رفت، اجمالا هنگامی است که انسان با صرف دارایی خویش و بدون دریافت کمک هزینه حج از دیگران به سفر برود، نه در حج بذلی که تمام یا قسمتی از هزینه حج و مخارج عائله از سوی شخص یا اشخاص دیگر تامین می گردد.

یکی از واجبات بزرگ، فریضه حج می باشد.

حج فقط یک عمل عبادی نیست بلکه کنگره بزرگ مسلمانان است که همه ساله در یک محل معینی جمع شده و عبادت‌های فردی را انجام می‌دهند و در کنار آن در کنگره عظیم عبادی سیاسی حج شرکت می‌کنند.

در حج امتیازات فردی پنهان می‌شود و همه در یک لباس و یک هیئت بدور از هرگونه زرق و برق حتی بند کفش و آینه و موی سر و عطر و ادکلن و ... باید به دور خانه خدا بگردند و در خداوند سبحان فانی شوند .

حج هدایتگر بشریت

خداوند سبحان برای هدایت بشر، هدایت گرهایی قرار داده است از جمله انبیاء، کتابهای آسمانی، معجزات و از جمله هدایتگرها کعبه می‌باشد .

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَأَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»⁽¹⁾

«حقیقتاً اولین بنایی که در زمین برای مردم ساخته شده کعبه است که در مکه بنا شده و مبارک و رحمت برای اهل عالم است. در این شهر نشانه‌های روشنی است. که از جمله مقام ابراهیم است. و هر که وارد مکه شود در امن است و خداوند سبحان بر مردمی که مستطیع هستند حج را واجب کرده است و هر که کفر ورزد بداند که خداوند سبحان از عالمیان بی نیاز است.»

1. سوره آل عمران، آیه 97.

کعبه و هدایت گر بودن آن

اما هدایتگر بودن کعبه برای اهل عالم به چند وجه است:

1 - انقلاب روحی که برای اکثر حاجیها اتفاق میافتد و اشک از چشمانشان سرازیر می شود و بعضی واقعا متحول می شوند و این زیارت را توصیف ناپذیر می دانند .

2 - نوری که حاجی بعد از اتمام مناسک حج می گیرد در او باقی است و تا زمانی که گناه نکرده در او وجود دارد .

3 - تمام گناهان حاجی آمرزیده می شود و اعمالش از نو نوشته می شود .

4 - افرادی بوده اند که بعد از بازگشت به نوشتن کتابهای عالی در موضوعات معنوی اقدام کرده اند همانند ابن عربی آن فیلسوف بزرگ که در بازگشت از مکه کتاب فتوحات مکیه را برای بشریت به یادگار گذاشت همچنین نویسندگان قرن ما همانند جلال آل احمد همچنین عالم فرزانه علامه جوادی آملی و دیگر بزرگان کشور ما که کتابهای گرانسنگی در این مورد دارند .

5 - کعبه محل بیزاری و برائت از مشرکین و بلند کردن صدا به توحید است و این ندا، عده زیادی از غیر مسلمانان را به اسلام فرا می خواند . که افرادی بوده اند با دیدن مراسم برائت از مشرکین، مسلمان شده اند . و یا برایمانشان افزوده شده است .

6 - باحضور علماء ربانی در مراسم حج یا نمایندگان مراجع در طول ایام موسم حج، افرادی از کشورهای مختلف به آنها مراجعه نموده و دین خود را درست نموده و در صراط مستقیم قرار گرفته اند .

7 - وحدتی که در مراسم حج بین مسلمین از سراسر دنیا پیش می آید نیز در هدایت اهل عالم مؤثر بوده است .

8 - سنگباران شیاطین در مراسم رمی جمرات در دوری از شیاطین و نزدیکی به پروردگار عالمیان نقش مهمی دارد .

9 - حضور در صحرای عرفات و مشعر و منایز در نزدیکی به خالق تا نقش آفرین است .

10 - نمازها و ذکرهایی که در موسم حج انجام می گیرد در هدایت انسانها بسیار مؤثر است و امام راحل فرمودند بُعد عبادی حج ویژگی خاصی دارد .

و این توجه امام راحل به عرفان و عبادتی است که در جای جای سرزمین وحی وجود دارد و حاجیها می توانند از آن بهره وافی ببرند .

اعمال عمره و حج

عمره دارا اعمال زیر است:

احرام - طواف - سعی - تقصیر - طواف النساء

و حج تمتع دارای اعمال زیر است:

احرام - وقوف به عرفه - وقوف به مشعر - وقوف به منی - طواف - سعی - طواف النساء -

مبیت در منی

لباس احرام

توضیحی در باره لباس احرام :

واجبات احرام سه چیز است :

اول پوشیدن لباس احرام .

دوم نیت محرم شدن .

سوم تلبیه یعنی لبیک گفتن .

لباس احرام دو قطعه پارچه مثل دو حوله یا غیر آن که دوخت در آن نباشد و همچنین پاک و مباح و حلال باشد یکی را مثل لنگ از کمر می بندند و دیگری را از روی شانه ها می اندازند بعد از پوشیدن این دو جامع نیت می کند انجام دادن احرام عمره تمتع را قربه الی الله و با این نیت لبیک می گوید و صورت لبیک چنین است .

لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک ،ان الحمد و النعمه لک و الملك ،لا شریک لک لبیک .

مسئله: تمام اعمال عمره و حج از اولی که انسان لباس احرام می پوشد تا آخر اعمال حج همه و همه عبادت است و باید با توجه داشته باشد در وقت عمل که چه عملی می خواهد بجا بیاورد همه را برای خداوند سبحان انجام دهد و اگر ریا کند آن عملی که در او ریا شده باطل است .

جایگاه سیاسی حج

یکی از ابعاد حج ، بُعد سیاسی حج است .

در طول تاریخ اسلام ، پیامبر و امامان در جهت مبارزه با طاغوتها و مشرکین و مستکبرین و ظالمین هم در جهت ظلم و ستم به مظلومین از حج استفاده می کردند .

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ، به دستور امام راحل ، مراسم برائت از مشرکین با شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل که این دو کشور مظهر شرک و کفر هستند، در ایام حج طنین انداز می شود و بُعد سیاسی حج تا حدودی زنده شده است. ولی بخاطر اینکه کسانی اداره حرمین شریفین بر بر عهده دارند که خود نوکران مستکبرین می باشند لذا نمی گذارند که برنامه برائت از مشرکین که دستور خدا و پیامبر ص است خوب اجرا شود. به امید روزی که حاکمان خیانتکار ساقط شده و اداره حرمین بدست شایستگان بیافتد.

«ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»⁽¹⁾.

هر که شعائر الهی را تعظیم و تجلیل کند این نشانه تقوای دل اوست

یکی از مصادیق تعظیم شعائر الهی، زیارت اماکن مقدس در مدینه و مکه می باشد که سفارش شده در این اماکت حاضر شده و نماز و دعا انجام دهیم.

1. سورة حج، آیه 32.

جایگاه جهاد و دفاع در قرآن و حدیث

جهاد و دفاع از واجبات مهم اسلام است. که باعث عزت اسلام و مسلمین میشود و در قرآن کریم رفتن به جهاد را از صفات مومنین ذکر کرده که بالاترین درجه را پیش خدا، مجاهدین در راه او دارند

«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»⁽¹⁾

یعنی: آنان که ایمان آورده و هجرت نموده و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند درجه بالایی در نزد خدا داشته و رستگارند .

«قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»⁽²⁾

یعنی: بجنگید با کسانی که اهل کتاب بوده ایمان به خدا و قیامت نیاورده و حرام خدا و رسول را حرام نپنداشته و تابع دین حق نمی شوند پس باید جزیه (مالیات به دولت اسلامی) بدهند .

یکی از واجبات ، جهاد در راه خداست . گاهی جهاد بصورت دفاع و حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است و گاهی بصورت حمله به مناطق کفرنشین است که این امر مربوط به امام معصوم و در زمان حضور امام معصوم علیهم السلام تحقق می‌پذیرد ولی در زمان ما بصورت دفاع از کیان اسلام و مملکت اسلامی تبلور دارد . نمونه آن هشت سال دفاع

1 . سوره توبه، آیه 20.

2 . سوره توبه، آیه 29.

مقدس بود که بسیاری از جوانان و پیران در این جهاد شرکت کردند و به فیض شهادت رسیده یا جانباز شدند و یا با جان و مال خود از دفاع اسلامی پشتیبانی نمودند .

اصطلاح «جهاد فی سبیل الله» بجای قتال و حرب و نزاع و مخاصمه اصطلاح پرمعنایی برای مبارزات مسلمانان است . جهاد یعنی کوشش و تلاش . و این معنا شامل هم جنگ می‌شود و هم مبارزات دیگر را . و با سبیل الله ماهیت جهاد مشخص می‌شود که فرق سایر جنگها با جهاد مسلمانان در این است که هدف از جهاد مسلمین خداوند است و لا غیر . ولی جنگهای دیگران براساس اهداف مادی و یا غیر مادی مثل میهن پرستی استوار می‌باشد .

اسلام دین صلح است . دین دوستی است . دین تمدن است . دین حفظ حقوق انسانها است . اما دین ظلم پذیری نیست . دین زیربار ستم رفتن نیست . دین تواضع در

مقابل مستکبرین نیست . لذا از یک طرف ظلم به دیگران را نفی می‌کند . جنایت را رد می‌نماید و قاتل یک فرد را قاتل همه انسان ها می‌داند و از طرف دیگر

به مسلمانان اجازه داده بلکه بر آنان واجب نموده که از حق خود دفاع کنند و در مقابل متجاوزین بایستند .

در صدر اسلام جنگهای زیادی اتفاق افتاد که اکثر آنها برای دفاع بود . یعنی عده‌ای از دشمنان اسلام، حمله می کردند یا قصد حمله را داشتند و پیامبر اعظم هم به مسلمانان فرمان دفاع را می داد و معمولاً مسلمانان در این جنگها از نظر تعداد و تجهیزات در درجه پایین تری از دشمن قرار داشتند .

جهاد در حداقل هفده سوره قرآن کریم که عمدتاً مدنی هستند ذکر شده است:

1- بقره 2- آل عمران 3- نساء 4- مائده 5- انفال 6- توبه 7- نحل 8- حج 9- نمل 10- احزاب 11- شوری 12- محمد 13- فتح 14- حدید 15- حشر 16- ممتحنه 17- صف و قریب 400 آیه در مورد جهاد نازل شده است .⁽¹⁾

جهاد گاهی بصورت دفاع و حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است و گاهی بصورت حمله به مناطق کفرنشین است که این امر مربوط به امام معصوم و در زمان حضور امام معصوم علیهم السلام تحقق می پذیرد ولی در زمان ما بصورت دفاع از کیان اسلام و مملکت اسلامی تبلور دارد . نمونه آن هشت سال دفاع مقدس بود که بسیاری از جوانان و پیران در این جهاد شرکت کردند و به فیض شهادت رسیده یا جانباز شدند و یا با جان و مال خود از دفاع اسلامی پشتیبانی نمودند

در قرآنی که مستکبرین در امریکا اخیراً چاپ کرده‌اند و بنام قرآن بیست و یکم است همه آیات جهاد را حذف نموده‌اند زیرا جهاد است که نمی گذارد مستکبرین بر مسلمین حاکمیت پیدا نمایند .

یکی از انگیزه‌های جهاد این است که خداوند سبحان در قرآن کریم اجازه نامه‌ای برای ستم‌دیدگان صادر کرده تا با ستم مبارزه کنند و با یاری خداوند سبحان پیروز شوند:

«أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (39) «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ

1. قرآن در آئینه اندیشه‌ها، ص 34.

بَغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ».⁽¹⁾

یعنی: به مظلومین اجازه جهاد داده شده و خدا می‌تواند آنان را پیروز کند. آن‌ها که از سرزمینشان به غیر حق به جرم گفتن اینکه خدای ما الله است، اخراج شدند.

همچنین برای نجات ستم‌دیدگانی که در دولتهای استبدادی زیر ستم هستند و از مسلمین کمک می‌خواهند جهاد انجام می‌شود:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا».⁽²⁾

یعنی چرا در راه خدا و بخاطر مردان و زنان و کودکان ستم‌دیده به جهاد بر نمی‌خیزید. مردان و زنان و کودکانی که می‌گویند: خدایا! ما را از کشوری که صاحبانش بیدادگرند بیرون آور و رهاییمان بخش و از جانب خود ما را پیشوایی فرست و مددکاری روانه ساز.

برای اینکه مسلمانان از همه تعلقات جدا شوند و با تمام وجودشان برای خدا بجنگند خدا با آنان معامله می کند:

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»⁽³⁾.

براستی خدا از مؤمنان جان و اموالشان را خریده به این بها که بهشت برایشان باشد، در راه خدا بجنگید پس بکشند و کشته شوند . وعده ای راست است بر عهده او در تورات و انجیل و قرآن کریم و چه کسی به عهد و قرار خویش از خدا وفادارتر است؟ بنابراین مژده گیرید و شاد باشید از معامله با خدا و این همان رستگاری عظیم است .

در جهاد درسهای بزرگی به مسلمین آموخته می شود:

1- اگر از فرماندهی تبعیت نشود گاه خسارات بزرگی ببار می آید.

در جنگ احد عده ای از کمانداران بر خلاف دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله برای جمع آوری غنیمت پُست خود را ترک کردند و دشمن هم از این موقعیت استفاده کرد و از پشت سرمسلمین وارد کارزار شد و باعث شکست مسلمانان شدند . و مسلمانان فهمیدند که سرپیچی از دستور پیامبر باعث شکست آنان شد.

2- درس «صبر و پایداری» از درسهای مهم جهاد است:

«وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»⁽⁴⁾.

آنانکه در سختی‌ها و ناراحتی‌ها و در جنگ صبور هستند راستگو بوده و با تقوا می‌باشند .

1. سوره حج، آیه 38 و 39. 2. سوره نساء، آیه 75. 3. سوره توبه، آیه 111.

4. سوره بقره، آیه 177.

صبر در جهاد باعث می‌شود که هر یک مسلمان برابر ده کافر و با تخفیف برابر دو کافر قرار گیرد و پیروز شود:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (64) يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (65) الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»⁽²⁾

ای پیامبر! مؤمنین را بر جهاد تحریک کن که اگر شما بیست تن صبور باشید بر دویست تن و اگر صد تن باشید، بر هزار کافر پیروز می‌شوید . زیرا کافران درک ندارند . الان خدا به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعف است پس اگر شما صد نفر صابر باشید بر دویست کافر و اگر هزار نفر صابر باشید بر دو هزار کافر غلبه می‌یابید به اذن خدا و خدا با صابران است .

3-اسلام برای مجاهدان در راه خدا، مقام بالایی در نظر گرفته است:

«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (95) دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»⁽³⁾.

یعنی: مؤمنین جهاد نکرده جز بیماران با آنانکه با مال وجانشان جهاد کرده برابر نیستند .

2. سوره انفال، آیات 66 - 61. 3. سوره نساء، آیات 96 - 95.

خدا کسانی را که با مال وجانشان جهاد می کنند برتری ورتبه داده است . پاداش بزرگی که عبارتست از درجات بالا و آمرزش و رحمت و خدا آمرزنده مهربان است .

4- اسلحه مجاهد هم مورد توجه اسلام قرار دارد و ارزشمند است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله : (الخير كله في السيف و تحت ظل السيف و لا يقيم الناس الا السيف و السيوف مقاليد الجنة والنار).⁽¹⁾

یعنی همه خیر، در اسلحه است و زیر سایه اسلحه است و جز اسلحه چیز دیگری نمی تواند مردم را برپا نگه دارد و سلاحها کلیدهای بهشت و جهنم هستند .

عثمان بن مظعون به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت دوست دارم به جهانگردی یا کوه نشینی بروم . فرمود: ای عثمان ! این کار را نکن که سیاحت و جهانگردی امت من سفر جنگی و جهاد است .⁽²⁾

5- کسانی که در جهاد کشته می شوند با کشته شدگان در غیر جنگ و جهاد، فرق دارند:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ۚ ۝۵ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»⁽³⁾.

کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده نپندارید. حقیقتاً آنان زنده اند و در نزد پروردگارشان روزی می خورند. دلشاد از نعمتهای خدا و زبان گشوده به مژده کسانی که هنوز شهید نشده اند که ترسی بر اینان و اندوهی بر آنها نخواهد بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله خود از آرزوی شهادت این چنین خبر داد: سوگند به آنکه جانم در دست اوست که دوست می دارم در راه خدا کشته شوم بعد زنده شوم و دوباره کشته شوم بعد زنده شوم و دگر بار کشته شوم.⁽⁴⁾

6- جهاد همگانی است و حتی زنان باید به جهاد شرکت داشته باشند که ابتدا از آنان در پرستاری و سقایی و تدارکات استفاده می شود ولی اگر نیروی مردان کافی نبود زنان هم باید سلاح بگیرند و دفاع و جهاد نمایند.

اما جهاد از دیوانگان برداشته شده است زیرا چنین اشخاصی برای خود تکلیفی احساس نمی کنند و قدرت عقلی برای انجام وظیفه ندارند:

(رسول خدا صلی الله علیه و آله: لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود کسی که عقل ندارد دین هم ندارد.

اقسام جهاد

جهاد دارای اقسامی است که غالباً جنبه دفاعی دارد و در قرآن کریم بنام جهاد یا قتال ذکر شده:

1. تهذیب، ج 6، ص 122. 2. تهذیب، ج 6، ص 122. 3. سوره آل عمران، آیات 170 - 169. 4. صحاح
سته.

1 - دفاع از کیان و نوامیس اسلام در مقابل دشمنی که قصد برانداختن اساس دین و جایگزین کردن کفر را دارد .

2 - دفع دشمن مهاجم بر جان و عرض مسلمین یا بر سرزمینهای اسلامی که قصد نابودی اسلام را ندارد ولی اموال و نفوس و اعراض یا اراضی مسلمین را هدف گیری کرده است .

3 - دفاع از مسلمانان که در یک منطقه با کفار درگیرند و بیم غلبه کفار می رود .

4 - اخراج دشمن اشغالگر که به هرنحوی بر سرزمینهای اسلامی یا عقاید آنان تسلط یافته است که رفع سلطه بیگانگان و بازگرداندن عزّت و استقلال مسلمین واجب است.

5 - جهاد با کفار جهت ترک عقاید کفرآمیز و گرایش به اسلام که این در زمان حضور امام معصوم علیه السلام انجام می گیرد .⁽¹⁾

اهداف جهاد

اهدافی را که قرآن کریم در موارد مختلف برای جهاد بیان فرموده از این قرار است:

1 - دفاع «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ».⁽²⁾

در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند بجنگید.

2 - دفع فتنه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً».⁽³⁾

آنقدر با دشمنان و فتنه گران بجنگید تا زمانی که دیگر فتنه نباشد.

3 - تثبیت حاکمیت الله «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ».⁽⁴⁾

آنقدر با دشمنان و فتنه گران بجنگید تا زمانی که دیگر فتنه نباشد و دین فقط دین خدا باشد.

4 - ذلیل کردن دشمنان اسلام «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ».⁽¹⁾

با اهل کتاب (یهود و نصاری) که به خدا و قیامت اعتقاد ندارند و حرام خدا و رسول را حرام نمی دانند و از دین حق تبعیت نمی کنند بجنگید تا زمانی که به دادن جزیه و مالیات به حاکم اسلامی تسلیم شوند.

5 - جلوگیری از فساد بر روی زمین «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمُ بَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ»⁽²⁾.

اگر بوسیله عده ای جلو عده دیگر (از متجاوزین) گرفته نشود در زمین فساد پدید می آید.

6 - جلوگیری از نابودی عبادتگاهها «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمُ بَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيعُ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ»⁽³⁾.

1. قرآن در آئینه اندیشه ها، ص. 33

2. سوره بقره، آیه 190

3. سوره بقره، آیه 193

4. سوره انفال، آیه 39

اگر بوسیله عده ای جلو عده دیگر (از متجاوزین) گرفته نشود در زمین فساد پدید می آید و کنیسه ها و مساجد خراب می شوند.

7 - استقرار حق و نابودی باطل «لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ»⁽⁴⁾.

با جهاد است که حق در جایش مستقر شده و باطل محو می گردد. اگرچه مجرمین بدان یباید.

8 - حمایت از مظلوم و جلوگیری از ظلم «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ»⁽⁵⁾

چرا جهاد نمی کنید درحالی که مردان و زنان و کودکان مستضعف نیاز به حمایت شما دارند.

1 . سوره توبه، آیه 29.

2 . سوره بقره، آیه 251.

3 . سوره حج، آیه 40.

4 . سوره انفال، آیه 8.

5 . سوره نساء، آیه 75.

هشت سال دفاع مقدس ملت ایران

یکی از حوادث مهم قرن ماهرجوم صدامیان با پشتیبانی مستکبرین ،به کشور اسلامی ایران می باشد.

دشمنان اسلام و اهل بیت (ع) خیال می کردند با حمله نظامی گسترده می توانند انقلاب اسلامی را که هدیه الهی بود، از بین ببرند اما با رهبری حکیمانه امام امت و با حمایت همه جانبه ملت ایران از رزمندگان اسلام، دشمن شکست خورد و امیدش ناامید شد.

اما این جنگ عظیم برکاتی بزرگی برای ملت ایران به ارمغان آورد. جبهه ها دانشگاه بزرگی شدند برای انسان سازی. جوانانی کم سن و سال به جبهه رفتند ولی بعد از مدت کوتاهی هم از نظر خدانشناسی و ارتباط معنوی با اهل بیت به درجات بالائی رسیدند و هم مرد شدند و از این نوجوانان، قهرمانان و دلاوران بی همتائی پدید آمد که تاریخ ایران امثال آنها را کم دیده بود.

در دفاع مقدس فرماندهان بزرگی تربیت شدند. باب شهادت باز شد و عده ای به فیض شهادت نائل آمدند. عده ی جانباز شدند. عده ای آزاده سرفراز شدند و خلاصه جنگهای صدر اسلام دوباره در قرنی دیگر و بصورتی دیگر تجدید شد و ملت ایران بهتر از مسلمین صدر اسلام، درخشیدند و هیچگاه امامشان را تنها نگذاشتند بطوری که امام امت همیشه از ملت ایران تعریف می کرد و می فرمود مردم ایران در زمان ما از مردم صدر اسلام هم بهترند.

پیروزی رزمندگان اسلام مخصوصا با حضور بسیج که همانند مجاهدان صدر اسلام از همه اقشار بودند و بصورت داوطلبانه به جبهه ها می رفتند باعث شد که دشمن از شکست ملت ایران از طریق نظامی مایوس شود و حملات خود را از طریق اقتصادی و فرهنگی و سیاسی انجام دهد که تاکنون در این زمینه ها هم موفق نشده است.

امر بمعروف و نهی از منکر

یکی از واجبات پرفائده و پربار برای مسلمین، امر بمعروف و نهی از منکر است.

در اسلام، همه مسلمانان نسبت به یکدیگر و آنچه در جامعه مسلمین می گذرد مسئول هستند. در اسلام آدم بی تفاوت نداریم. آدمی که بگوید وضع دیگران بمن مربوط نیست نداریم و هر کسی در هر شغل و لباسی که است نسبت به وضع اخلاقی جامعه باید وظیفه خود را که امر به معروف و نهی از منکر است انجام دهد.

این و واجب مختص به روحانیون نیست! مختص به نیروی انتظامی نیست بلکه همه آحاد مردم باید ناهی از منکر باشند. هر کسی وقتی منکری را دید. کار بدی را از شخصی مشاهده کرد باید آن طوری که صلاح است جلو منکر را بگیرد اگرچه در نظام اسلامی تذکر لسانی بعنوان تنها وظیفه هر کسی در نظر گرفته شده و از طرف رهبر حکیم انقلاب پیشنهاد شده و مراحل دیگر نهی از منکر مانند برخورد فیزیکی بعهدہ نیروهای انتظامی، اعضاء حفاظت اجتماعی و ناصحین بسیج می باشد.

«التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»⁽¹⁾

آنهايي که توبه کننده، عابد، حمد کننده، هجرت کننده، اهل رکوع و سجود و امر بمعروف و نهی از منکرند. پس مؤمنین را بشارت بده!

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»⁽²⁾.

باید عده‌ای از شما (دیگران را) به خیر دعوت کرده و امر بمعروف و نهی از منکر نمایند.

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»⁽³⁾.

شما بهترین امتی هستید که در میان انسان‌ها تاکنون ظاهر شده است. شما امر بمعروف و نهی از منکر می‌کنید.

«يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ».

یعنی: ای پسر من! نماز بخوان و امر بمعروف و نهی از منکر کن و بر مصیبت‌ها صابر باش که این علامت اراده قوی است.

«إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ»⁽¹⁾.

یعنی: هرگاه شنیدید که به آیات الهی کفر گفته شده و آیات الهی را مسخره می‌کنند شما در مجلس آنان ننشینید.

این دو اصل امر بمعروف و نهی از منکر در حقیقت یک نوع جهاد هستند ولی جهاد مسالمت‌آمیز.

2. سوره آل عمران، آیه 104.

3. سوره آل عمران، آیه 110.

معروف هر آنچه است که اسلام بدو دستور داده مثل نماز خواندن و روزه گرفتن و ... و منکر هر آنچه که اسلام از آن نهی نموده است مثل شراب خوردن و روزه خوردن و ...

این دو اصل باعث می شود که مسلمانان بر خلاف ملل دیگر نسبت به هم بی تفاوت نباشند و در مورد یکدیگر احساس مسئولیت نمایند:

((وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ))⁽²⁾.

یعنی: مؤمنین توصیه به حق و توصیه به صبر به یکدیگر می کنند .

امر بمعروف و نهی از منکر در آئینه احادیث:

1 - رسول خدا صلی الله علیه و آله : آمرین به معروف و نهی ککنده گان از منکر خلیفه خدا هستند .

2 - امیر مؤمنان علیه السلام : تمام کارهای خوب نسبت به امر بمعروف و نهی از منکر

همانند قطره نسبت به دریا است .

3- رسول خدا صلی الله علیه و آله : اگر گناهان علنی شود و کسی نهی از منکر نکند به توحید اهانت می شود .

1. سوره نساء، آیه 140. 2. سوره عصر، آیه 4.

4- امیر مؤمنان علیه السلام : کسی که نه با دل و نه با دست و زبان نهی از منکر نکند مرده‌ای در بین زندگان است .

5- امام صادق علیه السلام : کسی که همسایه گناهکارش را نهی از منکر نکند شریک اوست .

6- رسول خدا صلی الله علیه و آله : بخدا قسم از امت من اشخاصی محشور شوند که صورتی مانند بوزینه و خوک دارند اینها قدرت بر نهی از منکر داشتند ولی با گناهکار سازش کردند .

امام علی علیه السلام : امر بمعروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدان بر شما مسلط شده و دیگر دعای شما مستجاب نمی شود !

امام باقر علیه السلام : امر بمعروف و نهی از منکر دو مخلوق خدا هستند . هر که آنها را یاری کند، خداوند سبحان او را عزیز بدارد و هر که آنها را تنها بگذارد، خداوند سبحان او را خوار کند .

مصادیق منکرات

«منکر اعتقادی مثل کفر - منکر اخلاقی مانند: فحشاء - منکر عبادی مانند روزه خواری - منکر خانوادگی مثل ترویج فساد در خانه - منکر اقتصادی مانند احتکار و گرانفروشی - منکر اجتماعی مانند خیانت و چشم چرانی منکر سیاسی مانند اشاعه اکاذیب و شایعه پراکنی - منکر نظامی مثل فرار از خدمت - منکر فرهنگی مانند کراوات و سگ و ویسکی .. - منکر اداری مانند رشوه خواری»

شرایط امر بمعروف و نهی از منکر

- 1 - قصد قربت لازم نیست و اگر برای خودنمائی هم باشد اشکال ندارد و واجب است.⁽¹⁾
- 2 - لازم نیست صد درصد به نتیجه برسد حتی اگر یک درصد هم اثر داشت واجب است.
- 3 - اگر رفت و آمد با خلافکار او را جسور کند نباید با او رفت و آمد کند.
- 4 - مراحل نهی از منکر: ابتدا اظهار ناراحتی سپس تذکر سپس قطع رابطه و بعد از آن استفاده از راههای دیگری برای واداشتن فرد به ترک منکر.

عوامل عدم امر بمعروف و نهی از منکر

چرا عده‌ای از مسلمین به این دواصل عمل نمی‌کنند؟ عوامل مختلفی دارد از جمله:

- 1 - خجالت کشیدن
- 2 - ترس از عواقب منفی آن
- 3 - شعار با یک گل بهار نمی‌شود

4 - شعار یکدست صدا ندارد

1 . تحریرالوسیله امام.

5 - شعار دیگران هستند

6 - اعتقاد به اینکه کار از این کارها گذشته است .

7 - رفاقت‌ها و دوستی‌ها

نهی از منکر امام علی علیه‌السلام

1 - علامه محب‌الدین طبری نقل روایت نموده که عمر در حال طواف بود و حضرت علی

علیه‌السلام هم در جلو او مشغول طواف بود که مردی به عمر گفت: ای امیر! حق مرا از

حضرت علی علیه‌السلام بگیر!

عمر گفت: تو چه حقی داری؟

گفت: به من سیلی زد!

عمر به حضرت علی علیه‌السلام گفت: آیا شما به گوش این مرد سیلی زده‌ای؟

حضرت علی علیه‌السلام فرمود: آری .

عمر گفت: چرا؟

حضرت علی علیه السلام فرمود: دیدم در حال طواف به ناموس مؤمنین چشم چرانی می کند .

عمر گفت: کار خوبی کردی ای ابالحسن !

آنگاه به آن مرد سیلی خورده گفت: چشم خدا تو را دید - و دست خدا بر تو سیلی زد - پس حقی به گردن حضرت علی علیه السلام نداری .⁽¹⁾

2 - مردم مشغول وضو بودند که شخص قلدری آمد و مردم را تنه زد و خود وضو گرفت . وقتی برخورد او را به حضرت گفتند او را سه ضربه شلاق زد .⁽¹⁾

3 - در زمان حضرت علی ع خرمافروشی در مسیر راه سایبان زده بود و مانع راه مردم شده بود . چند بار به او تذکر دادند و چون گوش نکرد، حضرت سایبانش را آتش زد⁽²⁾

4 - شخصی تصمیم گرفت گوشت خوک بخورد . وقتی امام علیه السلام با خبر شد فرمود : اگر می خوردی بر تو حد جاری می کردم ولی حالا یک شلاق بتو می زنم .⁽³⁾

1 . ریاض النضره، محب الدین طبرج، 2 ص 145.

1 . امر بمعروف و نهی از منکر، محسن قرائتی.

2 . همان مدرک.

3. همان مدرک.

تولی و تبری

دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا نیز از دستورات مهم دین اسلام است .
مسلمانان باید با هر کسی که مؤمن است یا مسلمان است دوست باشند که نمونه بسیار
روشن آن دوستی با اهل بیت است و با هر کسی که با خدا دشمنی می کند همانند
صهیونیستها، مستکبرین، بی دین ها، شیطان پرست ها، بت پرست ها دشمنی نماید .

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا
جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي
سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ
مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»⁽¹⁾

ای مومنین! با دشمنان و دشمنان خودتان دوستی نکنید. شما با آنها دوستی می کنید ولی
آنها به آنچه از حق نازل شده کافرند! بخاطر ایمان رسول و ایمان شما به خدایتان آنها
می خواهند وقتی شما برای جهاد در راه من و برای رضایت من از شهر خارج
می شوید شمارا بیرون کنند! شما از دوستی با آنها خوشحالید ولی من از کارهای مخفیانه
شما و آشکار شما باخبرم و هر که چنین کند راه را گم کرده است!

در زیارت عاشورا دو بار می گوئیم که: انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم یعنی ما دوستدار کسی هستیم که دوستدار اهل بیت علیهم السلام است و مبارزه می کنیم با کسی که با اهل بیت علیه السلام می جنگد .

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ»⁽²⁾.

یعنی مؤمنین حق ندارند با کفار دوستی کنند که در این صورت نزد خدا جایگاهی ندارند .

«الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْبَتُهُمْ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً»⁽³⁾.

آنان که با کفار دوستی می کنند آیا عزت را نزد کفار می جویند یا که عزت فقط نزد خداست .

«لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»⁽¹⁾ بگو من از شما پاداشی نمی خواهم جز محبت به اهل بیتم .

آیه ولایت

روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام با جمعی از اصحاب نماز می خواند . فقیری به مسجد آمد و تقاضای کمک کرد . ولی کسی به او کمک نکرد . ناگاه امیرالمؤمنین

علیه السلام که در حال رکوع بود به فقیر اشاره کرد که انگشتر او را در آورده و ببرد . و در این مورد آیه زیر نازل شد .

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»⁽²⁾

1. سوره الممتحنه، آیه 60. 2. سوره آل عمران، آیه 27. 3. سوره نساء، 139

همانا ولی و سپرست شما در مرتبه اول خداست و بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سوم آن کسی است که اقامه نماز می کند و در حال رکوع زکات می دهد .

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که خداوند سبحان فرمود: (ولایه علی بن ابیطالب حصنی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي) . ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام قلعه محکم من است که هر که داخل این قلعه شود از عذابم ایمن شود .

این روایت شرطی نداشت ولی امام رضا علیه السلام در حدیث سلسله الذهب از خدا نقل فرمود: (کلمه لا اله الا الله حصنی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي) . سپس امام رضا علیه السلام فرمود (بشرطها و شروطها وانا من شروطها) . که حضرت شرط این حدیث را ولایت ذکر می کند .

زیرا با پذیرفتن ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ، دیگر انسان گناه نمی کند . جنایت نمی کند . زورگوئی نمی نماید . و اگر کسی ادعای ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را داشته باشد ولی اعمال بدی انجام دهد . ولایتش ظاهری و غیر واقعی است .⁽³⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

(مَنْ اطاع علیاً فقد اطاعنی و من اطاعنی فقد اطاع الله). هر که از علی علیه السلام اطاعت کند از من اطاعت کرده است. و هر که از من اطاعت نماید از خدا اطاعت کرده است.

1. سوره شوری، آیه 23. 2. سوره مائده، آیه 55. 3. اصول سه گانه.

(مَنْ انکر علیاً فقد انکرنی و من انکرنی فقد انکر الله). هر که منکر علی علیه السلام باشد مرا انکار کرده و هر که مرا انکار کند خدا را انکار نموده است.

(یا علی! حربُک حربی و سلمک سلمی و دمک دمی و انا حربٌ لِمَنْ حاربک و لا یُحبُّک الا طاهرُ الولاده و لا یبغضک الا خبیثُ الولاده). ای علی! جنگِ با تو، جنگِ با من است و صلحِ با تو، صلحِ با من است و خونِ تو، خونِ من است. و من جنگِ کننده با دشمن تو هستم. و حلالِ زاده تو را دوست دارد و حرامِ زاده تو را دشمن دارد.⁽¹⁾

ندای منادی

امام صادق علیه السلام: حقیقتاً ما اولین خاندانی هستیم که خداوند سبحان نام ما را بلند کرد. زیرا وقتی خداوند، آسمانها و زمین را خلق کرد، دستور داد که منادی سه بار ندا کند:

(اشهد أن لا اله الا الله. اشهد أن محمداً رسول الله. اشهد أن علیاً امیر المؤمنین حقاً).⁽²⁾

1. علی از کعبه تا محراب - امالی صدوق / 306

2. جایگاه اهل بیت علیهم السلام در جهان هستی - الکافی 441/1

نظافت و تمیزی

یکی از واجبات، نظافت و تمیزی هست. که در قالب وضو و غسل و تیمم آمده است. ان الله يحب التوابين ويحب المتطهرين؛ [1] خدا توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد....

اهمیت نظافت در اسلام: اسلام به نظافت بسیار سفارش کرده است و گاه برای انجام امور نظافتی، پاداش های اخروی ای قرار داده است

امام علی (ع) می فرمایند: خدای بزرگ بندگان کثیفش را - که هر کس با آنان بنشیند بدش می آید - دشمن می دارد....

امام کاظم (ع) به نقل از پیامبر (ص) می فرمایند: جبرئیل فرود آمد، در حالی که سه روز برای من وحی نیامده بود. گفتم: دوستم جبرئیل! چه شد که دیر آمدی؟ گفت: چگونه فرشتگان بر شما فرود آیند، با این که مسواک نمی زنید و لای انگشتان خود را نمی شوید؟....

نقش نظافت در سلامت انسان به عنوان یکی از محورهای بسیار مهم پیشگیری از امراض جسمی، پوستی و آلودگی های محیطی است. از آنجا که طی شبانه روز، ممکن است تحت تأثیر آلودگی های هوا، گرد و غبار، برخورد با انسان های دیگر و خوردن غذاهای آلوده انواع میکروب به بدن آدمی منتقل شود، از این رو برای پیشگیری از بیماریهای مختلف و تضمین سلامت، مراعات نظافت در ابعاد گوناگون ضروری است

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) درباره اهمیت نظافت می فرمایند: «هرچه توان دارید، در نظافت کوشا باشید؛ زیرا خداوند اسلام را بر نظافت بنا کرده است و داخل بهشت نمی شود مگر کسی [که نظافت را رعایت کند]». [2]

اسلام برای حفظ نظافت، توصیه های ویژه ای مطرح کرده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم :

الف) شست و شوی دست ها: از سفارش های اکید اسلام شستن دست ها قبل از غذا خوردن و پس از [آن، با آب تمیز است. 3]

ب) وضو گرفتن: هر مسلمانی برای خواندن نمازهای پنجگانه، لازم است وضو بگیرد؛ یعنی اعضای خاصی از بدن را بشوید یا مسح کند. وضو علاوه بر آثار معنوی، در زدودن گرد و غبار و آلودگی های ظاهری و رفع چرک ها و طراوت پوست، مؤثر است... حتی آمده که اگر وضو دارید باز هم وضو بگیرید که وضو بعد وضو نور بر نور است. و کسی که با وضو بمیرد شهید است و کسی که با وضو بخوابد برایش عبادت تا صبح را می نویسند...
لذا توصیه می کنیم که وقتی می خواهید دست و صورت خود را بشوید، وضو بگیرید تا ثواب وضو به شما داده شود....
...شیطان زورش به ادم با وضو و دائم الوضو نمی رسد

ج) استحمام کردن به عنوان غسل: در طول سال دهها غسل مستحبی سفارش شده مخصوصا غسل جمعه که علاوه بر فواید معنوی فواید مای هم دارد. استحمام با آب ولرم چندین اثر دارد: ۱. رفع آلودگی ها و تمیز شدن بدن؛ ۲. رفع خستگی و کوفتگی و ایجاد نشاط؛ ۳. انجام یک عمل عبادی، یعنی غسل.
در تعالیم اسلامی، تعداد دفعات استحمام در هفته (در موارد غیر ضرور) برای افراد، یک روز در میان توصیه شده است؛ البته کسانی که چاق هستند، برای لاغر شدن می توانند هر روز به حمام بروند...ه)
ناخن گرفتن و ستردن موهای زاید: از آنجا که زیر ناخن ها و موهای زاید، محل جمع شدن میکروب ها و آلودگی هاست، کوتاه کردن آنها می تواند در بهداشت فردی نقش مهمی داشته باشد؛ از این رو کوتاه کردن ناخن ها یک بار در هفته توصیه می شود. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «کوتاه کردن ناخن ها بیماری های بزرگ را منع و روزی را زیاد می کند. ناخن ها را کوتاه کنید؛ زیرا ناخن ها محل جذب شیاطین (میکروب) هستند و شیطان، عامل فراموشی است. پی نوشت

دنبال روزی رفتن

پیامبر خدا می فرماید: "طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة؛⁸ به سراغ درآمد حلال رفتن، بر هر مرد و زن مسلمان لازم است".

اسلام نمیخواهد مسلمانی محتاج دیگری باشد بلکه هر کسی تلاش کند تا مخارج خود را دریاورد و با عزت زندگی کند.

گدایی در اسلام ممنوع است. امام صادق علیه السلام فرمود مسلمان اگر بمیرد دست به گدایی نمیزند.

پیامبر خدا در گفتاری حکیمانه، افراد تنبل و بی حال را که تن به کار نمی دهند و می کوشند که از دست رنج دیگران بهره مند شوند، مورد نکوهش و سرزنش شدید قرار داده، می فرماید: "ملعون ملعون من القی کله علی الناس، ملعون ملعون من ضیع من یعول؛ از رحمت خدا دور است، از رحمت خدا دور است کسی که بار زندگی خود را به گردن مردم بیندازد. ملعون است، ملعون است کسی که" (اعضای خانواده اش را (در اثر ندادن نفقه) تباه کند)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر این باور بود که: "العبادة سبعون جزءا افضلها طلب الحلال ()؛ عبادت خداوند هفتاد جزء است و بهترین آنها طلب روزی حلال است".

مردی از اصحاب در تنگنای زندگی قرار گرفت. وی که دارای شغل مناسبی نبود و بسیاری اوقات از بیکاری رنج می برد، خانه نشین شد. روزی همسرش به وی گفت: ای کاش به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله می رفتی و از او درخواست کمک می نمودی! مرد با پیشنهاد همسرش به حضور رسول الله صلی الله علیه و آله رفت. هنگامی که چشم حضرت به او افتاد، فرمود: "من سالنا اعطیناه و من استغنی

⁸ . جامع الأخبار : 1079/389

اغناه الله؛ هر کس از ما کمک بخواهد، ما به او یاری می‌کنیم ولی اگر بی‌نیازی بورزد و دست حاجت
پیش مخلوقی دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز می‌کند

او پیش خود فکر کرد که مقصود پیامبر، من هستم و بدون این که سخنی بگوید، به خانه برگشت و
ماجرای او را برای همسرش بازگو کرد. زن گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله هم بشر است. (و از حال
تو خبر ندارد.) او را به وضع زندگی نکبت بار و پر مشقت خود آگاه کن

مرد ناچار برای بار دوم به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رفت اما قبل از این که حرفی بزند،
پیامبر همان سخن قبلی را تکرار کرده و فرمود: "من سالنا اعطیناه و من استغنی اغناه الله." باز هم بدون
اظهار حاجت، به خانه برگشت ولی چون خود را همچنان در چنگال فقر و بیکاری، ضعیف و ناتوان
می‌دید، برای سومین بار با همان نیت به مجلس رسول اکرم صلی الله علیه و آله رفت. باز هم لب‌های
رسول الله صلی الله علیه و آله به حرکت درآمد و با همان آهنگ - که به دل، قوت و به روح، اطمینان
می‌بخشید - همان جمله را تکرار کرد. این بار اطمینان بیشتری در قلب خود احساس نمود؛ حس کرد
که کلید مشکل خویش را در همین جمله یافته است. وقتی که خارج شد، با قدم‌های مطمئن‌تری راه
می‌رفت. با خود فکر می‌کرد که دیگر به دنبال کمک خواستن از بندگان نخواهم رفت. به خدا تکیه
می‌کنم و از نیرو و استعدادی که در وجودم به ودیعت نهاده شده است، بهره می‌گیرم و از او

می‌خواهم که مرا در کارهایم موفق گردانیده و از دیگران بی‌نیاز سازد. با این نیت، تیشه‌ای عاریه
گرفت و به جانب صحرا رفت. آن روز مقداری هیزم جمع کرد و فروخت و لذت حاصل دست رنج
خویش را چشید. روزهای دیگر به این کار ادامه داد تا به تدریج توانست از حاصل درآمد خویش،
ابزار کار را فراهم نماید. باز هم به کار خود ادامه داد تا صاحب سرمایه و شتر و غلامانی شد. وی در
اثر تلاش و کوشش شبانه روزی، یکی از افراد ثروتمند گردید. روزی به محضر پیامبر صلی الله علیه و
آله آمده و وضعیت خود را به آن حضرت گزارش داد که چگونه در آن روز فلاکت بار به محضر
حضرت آمده و چگونه سخن پیامبر صلی الله علیه و آله وی را به تحرک و کار واداشت. پیامبر فرمود:
من که به تو گفتم؛ هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می‌کنیم ولی اگر بی‌نیازی بورزد،
خدایش او را کمک خواهد نمود

گفتار ایه الله مشکینی درباره واجبات:

واجب عینی: عبارت است از واجبی که بر هر فردی با قطع نظر از دیگران واجب است، مانند نماز و روزه.

و، واجب کفایی واجبی است که اگر کسی یا کسانی آن را انجام دهند از دیگران ساقط می‌شود، مانند غسل و سایر تجهیزات میت که بر همه واجب است؛ ولی وقتی که عده‌ای اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود.

واجبات بر چند دسته تقسیم می‌شود:

الف) واجب‌هایی که مربوط به امور اعتقادی می‌باشند.

1- اعتقاد به وجود خداوند و هم چنین اعتقاد به یگانگی و وحدانیت ذات اقدس احدیت واجب

است.

2- اعتقاد به صفات جمال و جلال خداوند و اینکه ذات خداوند دارای کمال مطلق می‌باشد و از هر عیب و نقص پاک و منزّه می‌باشد و نیز اعتقاد به اینکه خداوند عادل است و عالم را براساس عدل پایه گذاری نموده است. واجب می‌باشد.

3- اعتقاد به نبوت و رسالت عامه، یعنی اعتقاد به اینکه خداوند پیامبرانی را برای هدایت عموم مردم فرستاده است و به وسیله آنها کتابی از آسمان فرو فرستاده است واجب می‌باشد.

4- اعتقاد به نبوت و رسالت پیامبر اسلام (ص) و اینکه خاتم انبیاء و پیامبران است که خداوند او را به عنوان آخرین پیامبر و سفیر خودش برای هدایت مردم فرستاده است و او نیز احکام خدا را به مردم ابلاغ نموده است.

5- اعتقاد به حیات پس از مرگ و عالم آخرت و اعتقاد به معاد جسمانی واجب است و اینکه همه مردم در قیامت در برابر دادگاه عدل الهی برای حضور می‌یابند و هر کس در برابر اعمال و رفتار خود مورد سؤال و جواب قرار می‌گیرند و مستحق کیفر یا پاداش می‌باشند.

اعتقاد به وجود بهشت و دوزخ واجب است. و اینکه گناهکاران مستحق عذاب جهنم و نیکوکاران در نعمت های بهشتی زندگی می کنند.

6- اعتقاد به اینکه امامان دوازده گانه با امر خداوند توسط پیامبر اسلام به عنوان جانشین برحق پیامبر اسلام و پیشوایان برحق امت پیامبر بعد از آن حضرت تعیین شده اند و هم چنین اعتقاد به عصمت و پاکی پیامبر اسلام و حضرت زهرا(س) و امامان دوازده گانه، واجب می باشد.

اولین امام و جانشین برحق پیامبر، امام علی (ع) است و امامان بعدی به ترتیب عبارت اند از امام حسن مجتبی، امام حسین فرزندان امام علی و امام علی بن حسن و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن حسن حجت المنتظر امام مهدی قائم ال محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف.

هم چنین اعتقاد به اینکه امام دوازدهم، در حال حاضر به اذن خداوند در پرده غیبت قرار دارد و هر زمان خداوند بخواهد ظهر میکند و دنیا را پر از عدل و داد می کند.

7- واجب است اعتقاد به اینکه قرآن کتاب آسمانی است که از جانب خداوند برای پیامبر ارسال شده است تا بشر را از گمراهی نجات دهد.

و نیز واجب است اعتقاد به اینکه خداوند در ادیان پیشین نیز کتاب های آسمانی مانند انجیل و تورات و سایر کتاب های آسمانی را برای هدایت بشر فرستاده است ، منتها بعد از پیامبران صاحب کتاب، عده از منحرفین و دنیا پرستان در کتاب الهی دست برده اند و بعضی از مطالب آن را بر نفع خود شان تحریف نموده است . اما قرآن با بودن جانشینان پیامبر از دستبرد و تحریف ، محفوظ مانده است .

8- واجب است اعتقاد به اینکه پیامبران الهی همه معصوم بوده اند.

ب) واجب هایی که مربوط به عمل و کردار انسان است اعم از واجب هایی عبادی و غیر عبادی.

9- بعد از اعتقاد به اصول دین (توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد) واجب است اعتقاد و عمل به فروع دین باشد.

فروع دین ده تا است 1: نماز 2- روزه 3- حج 4- جهاد 5- زکات 6- خمس 7- امر به معروف

8- نهی از منکر 9- تولی 10- تبری، معنای تولی دوست داشتن دوستان خدا و تبری دشمنی با

دشمنان خداوند است.

عمل به فروع دین برای کسانی که مکلف به هریک از این تکالیف باشد واجب است.
و هر یک از فروع دین احکام مفصل دارند که باید به رساله های عملیه توضیح المسائل رجوع نمائید.
و هم چنین موارد که زکات واجب است باید در رساله های عملیه مطالعه کنید.
و نیز واجبات که در مسئله حج وجود دارد و چیزهایی که برای حاجی واجب است به کتاب مناسک حج که مراجع نوشته اند مراجعه نمائید.
هم چنین واجب است انسان شرایط امر به معروف و نهی از منکر را بشناسد و مراتب آن را رعایت نماید.

10- واجب است انسان احکام دین را یاد بگیرد و اگر کسی خودش مجتهد نباشد باید از مجتهد اعلم تقلید کند و مسائل شرعی و احکام خود را طبق نظر و فتوای مجتهد جامع الشرایط انجام دهد.
3- طهارت و پاکی از آلودگی های ظاهری و باطنی واجب است.
طهارت عبارت است از: 1- وضو 2 غسل 3 تیمم. هر یک از این طهارت سه گانه در مورد خود شان واجب می شود و برای انجام برخی از عبادات واجب است انسان وضو داشته باشد و غسل نماید و یا به جای وضو و غسل در صورتی که وضو و غسل ممکن نباشد تیمم نماید.
غسل ها واجب: هفت تا می باشد:

1- غسل حیض. 2- غسل استحاضه 3- غسل نفاس. 4 غسل جنابت. 5 غسل میت، 6 غسل مسّ میت. 7- غسلی که به واسطه نذر و قسم برانسان واجب می شود.
همچنین واجب است لباس و بدن انسان در هنگام نماز و طواف حج و امثال این موارد از نجاست پاک باشد.

11- نماز بر میت واجب است.
12- واجب است در انجام عبادات انسان قصد قربت داشته باشد یعنی عمل را فقط برای رضای خدا بجا آورد.

13- در زمان حضور امام معصوم نماز جمعه واجبات.
14- نماز خوف (به جای نماز یومیه) که در رجهه جنگ در ساعات ترس از حمله دشمن انجام می گیرد واجب است.

- 15 نماز طواف در حج واجب است.

16 نماز آیات واجب است.

- 17 واجب است در مسافرت نمازهای چهار رکعتی > شکسته و به صورت دور رکعتی خوانده شود و در وطن واجب است تمام خوانده شود

- 18 واجب است نماز آیات در هنگام کسوف و خسوف و زلزله و هر علامت وحشت زای دیگر، خوانده شود.

- 19 واجب است برای نماز و بعضی از مسائل دیگر جهت قبله دانسته شود.

- 20 واجب است در هنگام نماز عورت انسان پوشیده باشد.

- 21 واجب است قضای نمازهایی که در وقت آن ترک شده است، خوانده شود.

- 22 واجب است روزه هایی که در ماه رمضان ترک شده است قضای آنها گرفته شود.

- 23 کسی که عمدا روزه ماه رمضان را بدون عذر باطل کرده باشد واجب است کفاره بدهند

- 24 واجب است با شنیدن آیه هایی که سجده دارد، سجده قرآن انجام شود

که عبارت اند از: 10 آیه 15 از سوره سجده آیه 37 از سوره فصلت، آیه 62 سوره نجم و آیه 19 سوره علق.

- 25 عمل به نذر و قسم و عهد شرعی واجب است و اگر کسی آن را بشکند واجب است کفاره بدهد.

- 26 کسی کهظهار نموده است واجب است کفاره بدهد. و معنایظهار آن است که کسی به زنش بگوید جماع با تو، برای من مانندجماع با مادر است، به این قصد که او را برخود حرام کند. و خود این سخن حرام است و طلاق حساب نمی شود و لی باید کفاره بدهد. یعنی به شصت فقیر طعام بدهد اگر توان ندارد دوماه پی در پی روزه بگیرد.

- 27 کسی که در مرگ فرزند یا همسر لباس خود را پاره کند واجب است کفاره بدهد هم چنین برزنی که در مصیبت ارحام و خویشانش از موی سر خود کنده یا بریده باشد کفاره ماه رمضان را بدهد.

- 28 دادن کفاره جمع بر کسی که مسلمان را عمدا و به ظلم کشته باشد واجب است.

29- جلو گیری از هر نوع بدعت در دین برای کسانی که قدرت بر شناخت بدعت و جلو گیری از آن را دارد واجب است.

30- مقابله با تهاجم فرهنگی و سیاسی و اقتصادی دشمنان اسلام واجب است.
(ج) واجب هایی مربوط به ازدواج و نکاح و نسب.

31- اگر کسی به خاطر ترک ازدواج به گناه می افتد واجب است ازدواج نماید.

32- دفاع از حریم خانواده و ناموس و اولاد و خویشان در برابر هر خطر و تجاوز ، واجب است هم چنین.

33- سرپرستی اولاد واجب است.

34- دادن نفقه زن و اولاد واجب است و رسیدگی به حقوق زن واجب است.

35- اطاعت زن از شوهر در خارج نشدن از منزل و تمکین در امور جنسی بر زن واجب است.

36- صله رحم یعنی رفتار خوب با پدر و مادر و اقارب واجب است

37- احترام پدر و مادر و اطاعت از آنها در اموری که ترک واجب الهی نباشد، واجب است و در صورت نیاز مندی آنها و توان مالی فرزند، دادن نفقه پدر و مادر واجب می باشد.

38- عمل کردن هریک از زن و شوهر به شرط و شروطی که در زمان عقد گذاشته اند واجب است.

39- پرداخت مهریه زن بر شوهر واجب است.

40- رفتار نیک شوهر با زن و برعکس واجب است.

41- رعایت عدالت بین زنان برای شوهری که چند همسر دارد واجب است.

42- عده نگهداشتن بعد از طلاق در صورتی که زن با شوهر نزدیکی کرده باشد، بر زن واجب است.

43- شکستن قسم ایذائی بر مرد واجب است، یعنی اگر مرد برای اذیت و آزار زن قسم بخورد که بیش از چهار ماه با او همبستر نشود، واجباست این قسم را بشکند و کفاره آن را نیز بدهد

44- حجاب و پوشش زن در برابر نامحرم واجب است

45 پوشش عورتین برای مرد واجب است.

(د) واجبات مربوط به اموال و کسب و کار و خوردن و آشامیدن

- 46 بر هر مرد واجب است برای تأمین هزینه زندگی خود و خانواده اش، اشتغال به کسب و کار داشته باشد.

- 47 واجب است از خوردن حرام خود داری شود.

- 48 واجب است حیوانات حلال گوشت ذبح شرعی شود.

- 49 واجب است طلب دیگران هرچه زود تر پرداخت شود و هم چنین راضی کردن صاحب مالی که انسان غاصبانه در آن تصرف نموده است واجب است.

- 50 رد فوری اموال دیگران چه از طریق غصب یا غیر غصب باشد برای صاحب مال واجب است.

- 51 اگر مال دارای ارزش را انسان پیدا کند و نشانه داشته باشد که به وسیله آن صاحب آن شناخته شود، واجب است بین مسلمین تعریف اعلام گردد.

- 52 حفظ نفس از هر ضرر قابل توجه و از هر خوردنی و آشامدنی که موجب ضرر باشد واجب است. هم چنین دفاع از نفس خود در برابر هجوم هر خطر و اسباب مرگ واجب است.

- 53 واجب است انسان گناه را ترک کند و از انجام هر گناه خود داری نماید.

ها) واجبات مربوط به عقود و ایقاعات و قرارداد ها.

- 54 وفا کردن به پیمان ها و تعهدات و قرارداد ها واجب است. فرق نمی کند پیمانی که بسته می شود بین انسان و خدا باشد یا مانند نذر و عهد با خدا و یا تعهدات و قراردادهایی که مردم با یکدیگر دارند.

عمده ترین موارد قرار بین مردم که عمل به آنها واجب می باشد عبارت است از:
یک) عمل کردن به مفاد بیع و معامله که بین فروشنده و خریدار با شرایط صحت معامله صورت می گیرد، واجب است.

دو) عمل به مفاد اجاره بین اجاره دهنده و مستأجر.

سه) عمل کردن بر طبق وقف هم برای واقف و کسی که مال را وقف نموده است و هم بر موقوف علیه و کسی که وقف برای او شده است واجب است.

چهار) عمل به مفاد صلح نامه که بین دو طرف قرار داد می شود.

پنج) عمل به وصیت واجب است.

شش) عمل به وظایف زن و شوهر پس از عقد ازدواج برای هریک از زن و شوهر.
هفت عمل به قرار داد مزارعه واجب است.

هشت عمل به قرار داد مساقات (قرار داد ابیاری درختان و تربیت آنها 9

نه) عمل به مفاد قرار داد رهن، برای رهن دهنده و رهن گیرنده

ده) عمل به قرار داد مسابقات مشروع مانند سوار کاری با اسب یا چیزهای دیگر و تیر اندازی.

یازده) عمل به قرار داد ضمانت.

دوازده) عمل به قرار داد حواله.

سیزده) عمل به قرار داد کفالت.

چهارده) عمل به مفاد هبه در موارد زیر:

الف) هبه معوض مانند بخشیدن مال به دیگری به شرط آنکه او هم چیزی به وی ببخشد.

ب) بخشیدن به قصد قربت.

ج) بخشش به ارحام و خویشان.

د) در صورتی که در هبه جایزه، مال بخشیده شده در نزد هبه گیرنده تلف شده باشد.

ها) در صورتی که مال بخشیده شده از ملک گیرنده خارج شده باشد.

و) در صورتی که واهب مرده باشد و ارث او می خواهد رجوع کند.

در تمام این موارد عمل به مفاد هبه واجب است و حق رجوع به مال بخشیده شده برای کسی نمی باشد.

55- حفظ و رد کردن امانت به صاحب آن واجب است

56- پرداخت حق جعاله پس از عمل واجب است (مثلا کسی بگوید: هر کس ماشین مار که گم شده

پیدا کند صد تومان به او می دهم و اگر کسی آن را پیدا کرد، واجب است به او پول تعیین شده را فوراً بدهد.)

57- عمل به اقرار برای هر اقرار کننده نسبت به آثاری که به ضرر او باشد واجب است.

58- مهلت دادن بدهکاری که توان ادای دین خود را ندارد برای طلب کار واجب است.

59- واجب است که هر مکلف در هنگام نزدیک شدن مرگ، برای ادای حق مردم و خداوند تلاش

کند.

(و) واجبات متفرقه:

60- ترک تکبر و حسد و دروغ و غیبت و سایر صفات و خصوصیات پست واجب است.

61- امید به رحمت خداوند واجب است.

62- سخن راست گفتن (درجایی که مفسده نداشته باشد) واجب است.

63- خوف از اعمال و رفتار واجب است.

64- گمان خوب و حسن ظن نسبت به خداوند واجب است.

65- اعتقاد به قضا و قدر واجب است.

66- حفظ حرمت و احترام اماکن مقدسه مانند مسجد الحرام و مسجد نبی و سایر مساجد و حفظ

حرمت مشاهد مشرفه و مقبر امامان و امام زاده ها ، واجب است.

67- کمک به ستم دیده و مظلوم در صورت قدرت و هم چنین دستگیری درماندگان واجب است.

68- بیزار و نفرت از ظالم و ستمگران واجب است (عملا یا زبانا یا قلبا).

69- نجات جان و مال مؤمنین در صورت امکان و توان واجب است.

70- جلوگیری از اشاعه فحشاء واجب است.

71- صداقت و راستی در کارها و در مشورت واجب است.

72- از بین بردن آلات لهو و قمار واجب است.

73- اجتناب از نجاسات واجب است.

74- ختنه کردن برای مردان واجب است.

75- جواب دادن سلام دیگران واجب است.

(ز) واجبات مربوط به ولایت و امت اسلامی.

76- تصدی و به عهده گرفتن مقام ولایت و رهبری امت اسلامی، در زمان غیبت بر فقهاء جامع

الشرائط واجب است. اگر یک نفر فقیه باشد واجب تعیینی است و اگر تعداد از فقهاء جامع الشرائط

باشند واجب کفایی است.

و بر متخصصان علوم اسلامی واجب است فقیه جامع الشرائط را از بین فقهاء به عنوان تصدی مقام

ولایت تعیین نمایند و بر همه اطاعت از حکم مولوی ولی امر و حمایت از او لازم است.

-77 اجرای حدود الهی واجب است.

-78 حفظ اموال عمومی و حفظ بهداشت عمومی واجب است.

-79 حفظ ماه های حرام (رجب، ذی قعدة، ذی حجه، و محرم) واجب است.

-80 قضاوت برحق برای قاضی واجب است هم چنین رعایت عدالت بین طرفین دعوا در رفتار و

گفتار برای قاضی واجب است.

-81 دادن شهادت برای اثبات حق مؤمن و مظلوم واجب است. (1)

پی نوشت:

1. آیت الله مشکینی، واجبات و محرمات در شرع اسلام.

این چند نمونه از واجبات در اسلام بود و ما صدها واجب داریم که باید انها را بشناسیم و به انها عمل نماییم

پایان